إصدارات أنصار الإمام المهدي / العدد (۱۰۹)

**انتشارات انصار امام مهدی**

الأجوبة الفقهية

(كتاب الطهارة)

**پاسخ‌های فقهی**

**(کتاب طهارت)**

أجوبة وصي ورسول الإمام المهدي

السيد أحمد الحسن

**پاسخ‌های وصی و فرستادۀ امام مهدی**

**سید احمدالحسن**

إعداد

الشيخ علاء السالم

گردآوری و تنظیم

علا سالم

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی

**طبعة مزيدة**

الطبعة الثانية

١٤٣٢ هـ - 2011 م

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| نام کتاب  نویسنده  گردآوری و تنظیم  مترجم  نوبت انتشار  تاریخ انتشار  کد کتاب  ویرایش ترجمه | پاسخ‌های فقهی (کتاب طهارت)  احمدالحسن  علا سالم  گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی  دوم  ۱۳۹۶  1/131  اول | |
|  | | |

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن

يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي :

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

**جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمدالحسن**

**به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.**

[**www.almahdyoon.co/ir**](http://www.almahdyoon.co/ir)

[**www.almahdyoon.co**](http://www.almahdyoon.co)

****

**فهرست**

[**پاسخ‌های فقهی (کتاب طهارت) 6**](#_Toc490126647)

[موارد وجوب و استحباب طهارت 9](#_Toc490126648)

[آب مطلق و متعلقاتش 9](#_Toc490126649)

[آب مضاف 13](#_Toc490126650)

[آب نیم‌خورده (سؤر) 13](#_Toc490126651)

[حَدَث‌هایی که وضو را باطل می‌کنند 15](#_Toc490126652)

[احکام تخلّی (دفع ادرار و مدفوع) 17](#_Toc490126653)

[چگونگی وضو 22](#_Toc490126654)

[غسل 30](#_Toc490126655)

[غسل جمعه 34](#_Toc490126656)

[پرسش‌های مربوط به بانوان 35](#_Toc490126657)

[پرسش‌های مربوط به اموات 46](#_Toc490126658)

[طهارت با خاک (تیمّم) 52](#_Toc490126659)

[نجاسات و احكام آن 56](#_Toc490126660)

**پاسخ‌های فـقهی**

**(کتاب طهارت)**

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً

عن الحارث بن المغيرة النصري: (قلت لأبي عبد الله : بأيِّ شيء يُعرف الإمام القائم ، قال : بالسكينة والوقار. قلت: وبأيِّ شيء؟ قال: تعرفه بالحلال والحرام، وبحاجة الناس إليه ولا يحتاج إلى أحد، ويكون عنده سلاح رسول الله . قلت: أيكون إلا وصي ابن وصي؟ قال: لا يكون إلا وصي وابن وصي) غيبة النعماني: ص١٢٩.

بسم الله الرحمن الرحیم

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین الائمه و المهدیین و سلّم تسلیماً

از حارث‌بن مغیره‌نصری روایت شده است: به ابو عبدالله عرض کردم: امام قائم با چه چیزی شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: (**با سکینه و وقار**). عرض کردم: و با چه ابزاری؟ فرمود: (**او را با حلال و حرام می‌شناسی، و اینکه مردم به او نیازمندند و او به احدی نیازمند نیست، و سلاح رسول** **خدا نزد او می‌باشد**). عرض کردم: آیا او جز وصیِ فرزند وصی خواهد بود؟ فرمود: (**جز این نخواهد بود که او وصی و فرزند وصی است**)([[1]](#footnote-1)).

على ضوء هذا النهج الإلهي الذي أوضحه آل محمد  في التعرّف على الإمام القائم أضع بين يدي أنصار الله - أنصار الإمام المهدي (١٦٩) سؤالاً مما يكثر بها الابتلاء عادة وتمس حياة الناس مباشرة، كانت قد وجِّهت إلى السيد أحمد الحسن في ما يرتبط بأحكام الطهارات والنجاسات، وأغلبها لا تحتويه عبارته في باب الطهارة من كتاب شرائع الإسلام، لذا كان لزاماً تدوين هذه الأجوبة، وسنرى سهولة العبارة ووضوحها كوضوحهم روحي فداهم.

در پرتو این راه آشکار و روشن الهی ـ‌که آل محمد در شناسانیدن امام قائم تبیین فرموده‌اند‌ـ ۱۶۹ پرسشی را که به طور معمول بیشتر مردم مبتلابه‌شان می‌باشند به انصار خداوند ـ‌انصار امام مهدی‌ـ تقدیم می‌کنم؛ پرسش‌هایی که در رابطه با احکام طهارت و نجاست به سید احمدالحسن ارایه شده و مضمون بیشترشان در فصل نمازِ کتاب (احکام نورانی اسلام) (شرایع‌الاسلام) نیامده است؛ از این رو تدوین این پاسخ‌ها در قالب بخش‌هایی لازم بود و به این ترتیب شفاف و روشن بودن عبارت‌های مربوط به این احکام را همان‌طور که آل محمد جانم فدایشان باد‌ـ روشن فرموده‌اند را خواهیم دید.

سيدي أحمد الحسن .. إن حال بيننا وبينك المقدور، وتعاقبت الأيام بعد انتظارك سنين ودهوراً، فصرت شريداً طريداً، ولكن أبت رحمتك بنا نحن أهل الخطايا المقصرين في حقكم آل محمد، إلا أن تأخذ بأيدينا إلى صراط الله القويم وتبين لنا حلاله وحرامه، لتكتمل حلقة الطهارة بولايتكم التي أخذ الله سبحانه على الخلق ميثاقها.

آقای من، احمدالحسن... هر چند میان ما و شما حایلی تقدیر شده است و روزها در انتظارت به ماه‌ها و سال‌ها منتهی شد، و شما آواره و رانده شدی، اما لطف و رحمت خود را از ما که خطاکارانی تقصیرکار در حق شما آل محمد هستیم دریغ نفرمودی؛ جز این نیست که دست ما را بگیری و به راه راست استوار الهی رهنمون سازی و حلال و حرامش را به ما بنمایانی، تا آن حلقۀ پاک به ولایت شما تکمیل گردد؛ همان ولایتی که خداوند سبحان عهد و میثاقش را از خلایق گرفته است.

أضع يبن يديك يا بن رسول الله ما جمعته من شرع الله الذي أوضحتَه بأجوبة الأسئلة التي تواردت عليك، أجبتها رغم كل ما تمر به من قساوة الدهر وأهله، وكان شرعاً أريد له أن يغيب كتغييبكم أهل البيت ليملأ العلماء غير العاملين حياة الناس بأحكام لا تمتّ إلى دين الله وشرعه بصلة أبداً. والله سبحانه أسال وأرجو أن يمكّن لك في أرضه لإقامة دينه وحاكميته، والحمد لله رب العالمين.

ای پسر رسول خدا! آنچه را که از شرع خداوند با پاسخ دادن به سوالاتی که بر شما عرضه شده است برای ما روشن ساختی‌ـ گردآوری نمودم، تقدیم پیشگاه‌تان می‌کنم؛ سوالاتی که با تمام قساوت و سنگدلی این روزگار و اهالی‌اش اقدام به پاسخ دادن‌شان نمودی؛ احکام و شریعتی که اینگونه اراده شده بود که همچون غیبت شما غایب و پنهان بمانند تا عالمان بی‌عمل زندگانیِ مردمان را با احکام و دستوراتی که به هیچ‌وجه راهی به دین خدا و شرع او ندارند آکنده سازند. از خدای سبحان مسئلت دارم و امیدوارم که برای بر پا شدن دین و حاکمیتش شما را در زمینش تمکین دهد؛ و سپاس و ستایش تنها از آنِ خداوند، آن پروردگارِ جهانیان است.

٨ / ذو الحجة الحرام / ١٤٣١

علاء

۸ ذی الحجه ۱۴۳۱([[2]](#footnote-2)) ه ق

علا

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً**

أضع بين أيدي المؤمنين أجوبة فقهية للسيد أحمد الحسن على أسئلة وجهت إليه تتعلق بمسائل الطهارات والنجاسات وما يلحق بها، قمت بترتيبها حسب تسلسل المادة المطروحة في كتاب الطهارة من شرائع الإسلام - الجزء الأول / للسيد أحمد الحسن .

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمـﺔ والمهديين وسلم تسليماً

پاسخ‌های فقهی سیداحمدالحسن را در مورد پرسش‌هایی که در خصوص مسائل مربوط به طهارات و نجاسات و متعلقات‌شان از ایشان پرسیده شده است تقدیم به مؤمنان می‌کنم. این پرسش‌ها را به همان ترتیب مطرح شده در فصل طهارت از جلد اول کتاب (احکام نورانی اسلام) (شرایع‌الاسلام) مرتب نموده‌ام.

\* \* \*

\* \* \*

**موارد وجوب وندب الطهارة:**

**موارد وجوب و استحباب طهارت**

س١/ يجب على المجنب التيمم للخروج به من المسجدين، هل يشمل هذا الحكم المرأة إن جاءها ما يأتي النساء وهي في أحد المسجدين ؟

پرسش ۱:

بر فرد جُنب واجب است هنگام خروج از هر یک از دو مسجد (مسجد‌الحرام و مسجد‌النبی) تیمّم کند. آیا اگر از زن نیز چیز مشابهی خارج و در یکی از این دو مسجد باشد، آیا او هم شامل این حکم می‌شود؟

ج/ لا يجب عليها التيمم، ولكن لا يجوز لها الجلوس أو البقاء في المسجد.

پاسخ:

بر زن تیمّم واجب نیست، امّا نشستن یا باقی ماندن در مسجد برای او جایز نمی‌باشد.

\* \* \*

**الماء المطلق وما يتعلق به:**

**آب مطلق و متعلقاتش**

س٢/ ماء الأنابيب المعروف اليوم هل يعد جارياً ؟ وماذا لو كان مصطحباً لشيء معه كالزنجار الذي يغير لونه أو رائحته ؟

پرسش ۲:

آیا آب لوله‌کشی‌های امروزی، آب جاری محسوب می‌شوند؟ و اگر با چیزی ‌مثل زنگاری که رنگ‌وبوی آن را تغییر می‌دهد‌ همراه شود، حکمش چه خواهد بود؟

ج/ ماء الأنابيب كالماء الجاري، وما يصطحبه معه إذا كان طاهراً لا يؤثر في كونه مطهراً إلا إن أخرجه عن مسمى الماء المطلق.

پاسخ:

آب لوله‌کشی مانند آب جاری است و آنچه با آن ملازم و همراهش است اگر پاک باشد اثری در پاک‌کننده بودن آن نمی‌گذارد، مگر آنکه آن را از آب مطلق بودن خارج کند.

س٣/ ما يفعل في البيوت اليوم من تأسيس خزانات ماء مختلفة الأحجام يستفاد منها عند قطع الماء وأيضاً من خلال الأنابيب، هل يكون الماء فيها محقون أو ماذا ؟

پرسش ۳:

امروزه در خانه‌ها برای استفاده در مواقع قطعی آب مخزن‌هایی در اندازه‌های مختلف با استفاده از آب لوله‌کشی ایجاد می‌کنند. آیا آب درون این مخازن، قلیل شمرده می‌شوند یا حکم دیگری دارند؟

ج/ حكم ماء الأنابيب في البيوت يعتمد على حجم الماء المتصل به، فإن كان كراً فأكثر فحكمه حكم الجاري، وإلا فحكمه حكم القليل.

پاسخ:

حکم آب لوله‌‌کشی خانه‌ها بستگی به اندازۀ مخزن آبی داردکه به آن متّصل است؛ اگر (این مخزن) به اندازۀ آب کُر یا بیش از آن باشد حکم آب جاری را خواهد داشت وگرنه حکم آب قلیل را دارد.

س٤/ الماء القليل دون الكر إذا تنجس هل يطهر بفتح الماء من الأنبوب عليه أو لابد من إلقاء كر عليه فما زاد حتى يزول التغير ؟

پرسش ۴:

اگر آب قلیلِ کمتر از کُر نجس شود آیا با باز کردن آب لوله‌کشی بر آن پاک می‌شود یا چاره‌ای جز افزودن آب کر و بیشتر به آن ـ‌تا هنگامی که تغییر از بین برود‌ـ وجود ندارد؟

ج/ يكفي فتح الماء من الأنبوب عليه إن كانت المادة التي تمد ماء الأنبوب كراً فأكثر عند التطهير، أي عندما يكون الماء القليل المتنجس لا يحمل أي صفة من صفات النجاسة.

پاسخ:

باز کردن آبِ لوله کشی بر آب قلیل در صورتی کفایت می‌کند که مقدار آبی که در لوله جریان دارد در هنگام تطهیر ـ‌یعنی تا هنگامی که آب قلیل نجس شده هیچ خصوصیتی از خصوصیات نجاست را در خود نداشته باشد‌ـ به اندازۀ کُر یا بیش از کُر باشد.

س٥/ هل يتعامل مع الوفر والبَرَد نفس المعاملة مع ماء المطر في كونه جارياً حال نزوله؟

پرسش ۵:

آیا تگرگ و برف در حالِ بارش، مثل آب باران در نظر گرفته می‌شود؟

ج/ الوفر والبَرَد هو حالة صلبة فلا يصدق عليه عنوان الماء حال كونه منجمداً.

پاسخ:

تگرگ و برف در حالت منجمد شده، سفت و سخت هستند و در این وضعیت عنوان آب بر آن دو صدق نمی‌کند.

س٦/ هل يصح تحديد الكر بالكيلو غرام ؟

پرسش ۶:

آیا صحیح است کُر بودن آب با کیلوگرم معیّن شود؟

ج/ لا يصح مع الاختيار ويجوز مع الاضطرار وتعادل الكتلة بالحجم، وإن لم تعلم الكثافة تحسب واحد أي يكون كل ١ كيلو غرام يعادل ١ لتر، أي أن ٤٥٧ كغم تساوي ٤٥٧ لتر.

پاسخ:

در حالت اختیار داشتن صحیح نیست، ولی در حالت اجبار و اضطرار جایز است و (در این حالت) جرم با حجم معادل می‌گردد. اگر چگالی آب مشخص نباشد معادل یِکای آن ـ‌یعنی یک کیلوگرم معادل یک لیتر‌ـ محاسبه می‌شود؛ یعنی ۴۵۷ کیلوگرم که معادل ۴۵۷ لیتر است درنظر گرفته می‌شود.

س٧/ هل يوجد إشكال فيما إذا كان للبيت بالوعة واحدة تجتمع فيها كل المجاري القادمة من بيت الخلاء والمطبخ والحمام ، أو يجب الفصل ؟

پرسش ۷:

اگر خانه دارای تنها یک فاضلاب باشد که در آن فاضلاب سرویس بهداشتی، آشپزخانه و حمام ریخته شود، آیا اشکالی وجود خواهد داشت؟ یا باید این فاضلاب‌ها جدا گردند؟

ج/ يجوز ولكنه مكروه إن لم تمنع بقايا الطعام - بشبكة مثلاً - من المرور إلى البالوعة.

پاسخ:

جایز است؛ امّا اگر از ریخته شدن باقی ماندۀ غذا به داخل فاضلاب ‌ـ‌مثلاً ‌به وسیلۀ توری‌ـ گرفته نشود، مکروه است که فاضلاب سرویس بهداشتی و آشپزخانه یکی باشد.

س٨/ تفيض ماء المجاري عادة عند نزول المطر، فما هو حكمها إن كانت عين النجاسة فيها واضحة، أو لم تكن ؟

پرسش ۸:

هنگام بارش باران معمولاً آب‌های جاری طغیان می‌کنند. حکم آب آنها ‌اگر عین نجاست در آنها نمایان باشد ـ‌یا نباشد‌‌ـ چیست؟

ج/ تعتبر نجسة إلا إن غلب عليها ماء المطر واستهلكت فيه وذهبت أوصافها، عندها تعتبر مياه كثيرة طاهرة لا تضرها النجاسة إلا إن غيرت احد أوصافها الثلاثة.

پاسخ:

نجس شمرده می‌شود مگر آنکه آب باران بر آن غلبه کند و عین نجس در آن و اوصاف نجاست از بین برود؛ در این هنگام این آب، آب پاک فراوان محسوب می‌شود که نجاست (به پاکی‌اش) آسیبی نمی‌رساند مگر آنکه یکی از اوصاف سه‌گانه‌اش (رنگ، بو یا مزه) تغییر کند.

س٩/ برك المياه التي تتكوّن عادة قرب البيوت في بعض المناطق عند نزول المطر، لو إصابتها نجاسة فما هو الحكم ؟

پرسش ۹:

برکه‌های آبی که در بعضی مناطق به طور معمول بر اثر بارش باران در نزدیکی خانه‌ها به وجود می‌آیند، در صورت رسیدن نجاست به آنها چه حکمی دارند؟

ج/ في حال نزول المطر فهو مطهر ولا ينجس من هذه البرك إلا ما تغيرت أوصافه بالنجاسة، أما بعد انقطاع نزول المطر فهذه البرك إما أن يكون فيها ماء كثير أو قليل وعندها يحكم بنجاستها تبعاً لحالها كما بينته في الشرائع.

پاسخ:

در هنگام باریدن باران پاک هستند و نجس نمی‌شوند، مگر هنگامی که اوصاف‌شان توسط نجاست تغییر کرده باشد، امّا پس از توقف بارش باران، یا آب باقی مانده در آنها آب فراوان است یا آب قلیل، در صورت قلیل بودن با توجه به وضعیتش ـ‌همان‌گونه که در شرایع بیان کرده‌ام‌ـ حکم به نجس شدن آنها می‌شود.

**الماء المضاف:**

**آب مضاف**

س١٠/ الماء الذي يضاف إليه شيء من المعقمات أو مواد التنظيف (كالديتول أو الكلور أو التايت)، هل يعد ماءً مطلقاً أم مضافاً ؟

پرسش ۱۰:

آبی که مواد ضد عفونی کننده یا شوینده (مانند مایع پاک کنندۀ دیتول، کلُر یا تاید) به آن اضافه شود آیا آب مطلق شمرده می‌شود؟ یا مضاف؟

ج/ لا يُعد ماءً مضافاً حتى تغلب عليه المادة المضافة وتخرجه عن مسمى الماء المطلق.

پاسخ:

تا هنگامی که مادۀ اضافه شده بر آب غلبه نکند و آن را از اسم آب مطلق بودن خارج نکند، آب مضاف شمرده نمی‌شود.

**\* \* \***

**الاسئار:**

**آب نیم‌خورده (سؤر)**

س١١/ هل السؤر هو بقية المشروب بالفم فقط، أو مطلق ما يباشره الحيوان ولو بجسده؟

پرسش ۱۱:

آیا آب نیم‌خوردۀ حیوان، فقط باقی ماندۀ آنچه با دهانش نوشیده است می‌باشد؟ یا به طور کلی هر چیزی است که حیوان آن را ـ‌حتی با بدنش‌ـ لمس کرده باشد؟

ج/ السؤر هو بقية المشروب بالفم.

پاسخ**:**

نیم‌خورده، باقی ماندۀ آن چیزی است که با دهانش نوشیده است.

س١٢/ ما حكم سؤر الشخص الذي يطرح عليه الحق فيرفضه ؟ وكذا الأكل منه وذبيحته وما يباشره بيده وبدنه ؟

پرسش ۱۲:

حکم آب نیم خوردۀ کسی که حق به او ارائه شده و نپذیرفته است چیست؟ همچنین حکم خوردن از غذای او و حیوانی که او ذبح کرده و هر آنچه با دست و بدنش لمس کرده است چیست؟

ج/ لا إشكال في سؤره وذبيحته وما يباشره بيده إن كان مسلماً لا ينصب العداء للائمة والمهديين ولم يكن من الغلاة.

پاسخ:

اگر مسلمانی باشد که با امامان و مهدیین دشمنی نداشته باشد و از غُلو کنندگان نیز به شمار نمی‌رود، خوردن نیم‌خورده و حیوانی که ذبح کرده و آنچه با دستش لمس کرده است اشکالی ندارد.

س١٣/ إذا شككت في شخص هل هو ناصبي أم لا، فهل يترتب عليه حكم الطهارة أم لا ؟

پرسش ۱۳:

اگر تردید داشته باشم که کسی ناصبی است یا نه، آیا حکم به پاک بودن او داده می‌شود شود یا خیر؟

ج/ نعم تحكم بطهارته.

پاسخ:

حکم به طهارت و پاک بودن او می‌شود.

س١٤/ ما حكم سؤر أهل الكتاب وأعيانهم ؟

پرسش ۱۴:

حکم نیم خوردۀ اهل کتاب و بدن‌هایشان چیست؟

ج/ بالنسبة لليهود والنصارى إذا لم يكونوا غلاة ولا ينصبون العداء يحكم بطهارتهم ظاهراً كالمسلمين، ولكن هم أكثرهم غلاة يقولون إن عيسى هو الله، واليهود أكثرهم نواصب، ومع هذا فلا يخلو الأمر خصوصاً الآن فقد ظهرت بعض الطوائف عندهم تنكر إلوهية عيسى .

پاسخ:

در خصوص یهود و نصارا، اگر از غالیان و ناصبی‌ها (غلو کنندگان یا دشمنان امامان و مهدیون) نباشند ـ‌همانندِ مسلمانان‌ـ به پاکی و طهارت ظاهری آنها حکم می‌شود؛ ولی بیشتر نصارا غالیانی (غلو کنندگان) هستند که به خدا بودن عیسی معتقدند و بیشتر یهودیان ناصبی و دشمن هستند؛ با این وجود دربارۀ آنها وضعیت بر همین منوال باقی نمی‌ماند به ویژه که اکنون برخی از طوایف در نصارا ظهور کرده‌اند که منکر الوهیت عیسی هستند.

س١٥/ هل هناك فترة زمنية محددة بالنسبة للحيوان ليوصف بأنه جلالاً ([[3]](#footnote-3)) ؟

پرسش ۱۵:

آیا بازۀ زمانی مشخصی وجود دارد تا حیوانی به صفت نجاست‌خوار بودن([[4]](#footnote-4)) متّصف شود؟

ج/ لا توجد.

پاسخ:

خیر، وجود ندارد.

س١٦/ ما لا يدرك بالطرف من الدم ينجس الماء، ماذا يقصد بذلك ؟

پرسش ۱۶:

منظور از این عبارت (خون، حتی اگر با چشم دیده نشود نیز آب را نجس می‌کند) چیست؟

ج/ لا يدرك بالطرف أي لا يرى بالعين ولكن يرى أثره كحركة الماء عند وقوعه فيه.

پاسخ:

(اگر با چشم دیده نشود) یعنی با چشم دیده نمی‌شود ولی اثر آن ـ‌مانند حرکت آب هنگام افتادن خون در آن‌ـ دیده می‌شود.

\* \* \*

**الأحداث التي تنقض الوضوء:**

**حَدَث‌هایی که وضو را باطل می‌کنند**

س١٧/ شخص مريض وضع له (صوندة) في الموضع المعروف لخروج الإدرار، فهل خروجه عبرها ينقض وضوءه حتى لو كان بدون إرادته ؟

پرسش ۱۷:

بیماری که در محل بیرون آمدن ادرارش سوند قرار داده شده است، آیا خارج شدن ادرار از طریق سوند وضو را باطل می‌کند؟ حتی اگر تحت کنترلش نباشد؟

ج/ خروج الإدرار ينقض وضوءه سواء كان بإرادته أم بدونها، أما لو شك بخروج شيء فلا ينتقض وضوءه.

پاسخ:

خارج شدن ادرار، وضو را باطل می‌کند ـ‌خواه با اراده و اختیارش باشد، خواه نباشد‌ـ اما اگر به خارج شدن چیزی شک کند وضویش باطل نمی‌شود.

س١٨/ بالنسبة للرجل لا ينقض وضوءه الوذي والودي والمذي، ولكن ما يخرج من المرأة عند المداعبة هل ينقض الوضوء أو يوجب عليها الغسل بخروجه ؟

پرسش ۱۸:

وَذی، ودی و مَذی که از مرد بیرون می‌آید وضویش را باطل نمی‌کند، ولی آیا آنچه از زن هنگام بازی و نوازش کردن شوهرش بیرون می‌آید وضو را باطل می‌کند؟ یا با بیرون آمدن آن، غسل بر زن واجب می‌شود؟

ج/ المرأة إذا أمنت تغتسل، أما ما يخرج منها عند المداعبة مع زوجها فلا ينقض الوضوء ولا يوجب عليها الغسل إلا أن رافقته رعشة أو شبق الشهوة.

پاسخ:

اگر منی از زن بیرون بیاید غسل می‌کند، امّا آنچه هنگام بازی و نوازش کردن همسرش از او بیرون می‌آید وضو را باطل نمی‌کند و غسل را بر او واجب نمی‌کند، مگر آنکه همراه با لرزش یا شهوت جنسی باشد.

س١٩/ بعض الأحيان يحصل للإنسان ما يعرف بالغازات في بطنه، ويشك في انتقاض وضوءه بخروج ريح ولكنه لا يجزم بذلك، ما هو الحكم ؟

پرسش ۱۹:

گاهی انسان شک می‌کند که بادی از شکمش خارج شده است و به دنبال آن در باطل شدن وضویش به وسیلۀ باد خارج شده دچار شک و تردید می‌شود ولی یقین ندارد. حکمش چیست؟

ج/ يحكم بالطهارة.

پاسخ:

حکم به طهارت می‌شود.

\* \* \*

**أحكام الخلوة:**

**احکام تخلّی (دفع ادرار و مدفوع)**

س٢٠/ ما هي عورة الإنسان التي يجب عليه سترها بالنسبة للرجل والمرأة ؟

پرسش ۲۰:

منظور از عورت انسان که پوشاندنش در برابر مرد و زن واجب است، چیست؟

ج/ ما يجوز أن تظهره المرأة أمام الأجانب هو الوجه والكفان والقدمان. وما يجوز أن تظهره المرأة أمام المحارم هي القلادة وما فوقها، وما تحتاج كشفه في الوضوء من اليدين، ومنتصف الساق وما دونه. وللزوج جسدها كله.

پاسخ:

آنچه زن می‌تواند در برابر نامحرمان آشکار کند عبارت است از صورت، کف دست‌ها و قدم پاها؛ و آنچه زن می‌تواند در برابر محارم آشکار سازد عبارت است از گردن و بالاتر از آن، آن مقدار از دست‌ها که باید برای وضو گرفتن مکشوف نماید، و وسط ساق و پایین تر از آن؛ و برای شوهرش تمام بدنش را.

والواجب على الرجل ستره عن المماثل (الرجل) والمرأة هو القبل والدبر، ولكن الأفضل ستر ما بين السرة والركبة. والواجب ستره على المرأة عن المرأة هو القبل والدبر، ولكن الأفضل ستر الثديين وما تحتهما حتى الركبتين.

و آنچه بر مرد واجب است پوشاندن عورتین از مرد یا زن می‌باشد، ولی پوشاندن‎‎ مابین ناف تا زانو بهتر است، و آنچه بر زن واجب است تا از زن دیگر بپوشاند عورتین است، ولی پوشاندن سینه‌ها تا زانوها بهتر است.

وتستر المرأة عن الصبي المميز ما تستره عن المحارم.

زن در برابر پسر ممیّز (که قدرت تشخیص دارد) هر آنچه را که از محارم خود می‌پوشاند، پوشیده می‌دارد.

س٢١/ في حال الشك في بناء بيوت الخلاء على القبلة ماذا يفعل هل يجب عليه التأكد؟

پرسش ۲۱:

اگر شک داشته باشد که سرویس بهداشتی رو به قبله ساخته شده باشد، چه باید بکند؟ آیا توجه به این نکته واجب است؟

ج/ يحرم استقبال واستدبار القبلة في حال التخلي ويجب الانحراف في مكان بني على استقبال القبلة أو استدبارها، فعلى المؤمن أن يبحث عن اتجاه القبلة قبل التخلي ليتجنب الحرام.

پاسخ:

رو به قبله یا پشت به قبله بودن در هنگام تخلّی (دفع ادرار و مدفوع) حرام است و در جایی که سرویس بهداشتی رو به قبله یا پشت به قبله بنا شده باشد باید منحرف شود؛ پس بر مؤمن لازم است تا پیش از رفتن به سرویس بهداشتی جهت قبله را بداند تا از انجام کار حرام پرهیز نماید.

س٢٢/ يحرم الاستقبال والاستدبار في الخلوة، ماذا لو كان طفلاً فهل يجب حرفه من قبل الكبير؟

پرسش ۲۲:

رو یا پشت کردن به قبله هنگام تخلی حرام است. اگر این موضوع برای یک کودک مطرح شود بود آیا بر بزرگتر او واجب است او را از جهت قبله منحرف کند؟

ج/ لا يجب حرفه من قبل الكبير ولكنه مستحب.

پاسخ:

منحرف کردن کودک بر بزرگتر واجب نیست بلکه مستحب است.

س٢٣/ هل يجب ستر العورة عن الطفل ومنذ كم يبدأ ذلك ؟ وكذا إلى كم يجوز النظر إلى عورة الطفل ؟

پرسش ۲۳:

آیا پوشاندن عورت از کودک واجب است؟ و از چه سنی باید این کار را شروع کرد؟ و همچنین تا چه سنی جایز است به عورت کودک نگاه کرد؟

ج/ هناك أسئلة بهذا الخصوص وأجبتها سابقاً ([[5]](#footnote-5)).

پاسخ:

پاسخ این پرسش‌ها را پیش‌تر داده‌ام.([[6]](#footnote-6))

س٢٤/ هل يجب غسل موضع البول مرتين حتى بالماء الجاري ؟

پرسش ۲۴:

آیا دو بار شستن مجرای ادرار با آب جاری نیز واجب است؟

ج/ يكفي بالماء الجاري؛ أن يجري الماء على الموضع بعد زوال عين النجاسة.

پاسخ:

با آب جاری همینکه پس از برطرف کردن عین نجاست آب بر آن موضع ریخته شود کفایت می‌کند.

س٢٥/ ماء الاستنجاء طاهر إذا لم يصاحبه عين نجاسة ماذا إذا شك في كونه معه نجاسة أو لا ؟

پرسش ۲۵:

آب استنجا اگر عین نجاست همراهش نباشد پاک است؛ اما اگر شک وجود داشته باشد که نجاست همراه آن است یا نه، حکمش چه خواهد بود؟

ج/ يحكم بالطهارة.

پاسخ:

حکم به پاکی و طهارت داده می‌شود.

س٢٦/ الاستنجاء باليسار وفيها خاتم عليه اسم الله أو احد الأولياء مكروه، ماذا إذا علم أو ظن بإصابة النجاسة لها ؟

پرسش ۲۶:

استنجا با دست چپ در حالی که انگشتری با نام خداوند یا یکی از اولیا (پیامبران و اوصیا) بر آن حک شده باشد مکروه است. اگر بداند یا گمان داشته باشد که نجاست با آن (اسامی) برخورد می‌کند حکمش چیست؟

ج/ يحرم تنجيس اسم الله فإن علم وتيقن أن الاسم سيتنجس عند الاستنجاء يحرم عندها الاستنجاء بهذه الصورة حتى ينزع الخاتم أو يفعل ما يجنب الاسم المقدس النجاسة. أما إن ظن فيكره.

پاسخ:

نجس کردن اسم الله حرام است؛ پس اگر بداند و یقین کند که در هنگام استنجا این نام نجس می‌شود، استنجا ـ‌با وجود این شرایط‌ـ حرام می‌شود مگر آنکه انگشتر را دربیاورد یا کاری انجام دهد که آن نام مقدس را از نجس شدن بازدارد؛ اما اگر تنها گمان داشته باشد مکروه خواهد بود.

س٢٧/ فيما إذا اضطر إلى استعمال الحجر أو القماش في تطهير موضع البول، فهل يجب عليه التطهر بالماء بعد ارتفاع العذر ؟

پرسش ۲۷:

اگر برای طهارت مجرای ادرار مجبور شود از سنگ یا پارچه استفاده کند، آیا پس از برطرف شدن عذر واجب است با آب نیز بشوید؟

ج/ يجب.

پاسخ:

واجب است چنین کند.

س٢٨/ ما هو المراد بالأثر، إذ ورد أنه يجب عند غسل مخرج الغائط زوال العين والأثر؟

پرسش ۲۸:

منظور از کلمۀ (اثر) چیست؟ آنجا که آمده است: هنگام شستن محل خروج مدفوع واجب است عین نجاست و اثرش برطرف گردد.

ج/ اللون.

پاسخ:

رنگ آن.

\* \* \*

**كيفية الوضوء:**

**چگونگی وضو**

س٢٩/ هل يصح الوضوء فيما إذا لم ينوِ فيه طهارة الباطن ونوى الوضوء فقط ؟

پرسش ۲۹:

اگر در وضو، نیتِ طهارتِ باطن انجام نشده و فقط وضو نیت شده باشد آیا وضو صحیح است؟

ج/ إذا نوى الوضوء فأكيد أنه يريد طهارة الباطن به.

پاسخ:

اگر نیتِ وضو می‌شود، با این نیت قطعاً طهارت باطن قصد شده است.

س٣٠/ إذا حصل تردد قبل إكمال الوضوء هل يؤثر ذلك في استدامة حكم النية ؟

پرسش ۳۰:

اگر تا پیش از کامل شدن وضو در نیت وضو شک کند، آیا این شک در پایدار بودن حکم نیت تأثیری دارد؟

ج/ لا إشكال في وضوئه إذا حصل تردد ما لم يقطعه أو نوى القطع.

پاسخ:

اگر شک کند، تا هنگامی که وضو را قطع نکند یا نیت قطع کردن وضو را نداشته باشد در وضویش اشکالی نخواهد بود.

س٣١/ هل يكفي الوضوء لصلاة بعينها قبل وقتها ؟

پرسش ۳۱:

آیا وضو گرفتن برای نماز پیش از وقت نماز برای خودِ آن نماز کفایت می‌کند؟

ج/ إذا توضأ ليتهيأ لأداء صلاة واجبة قبل وقتها يكفي.

پاسخ:

اگر پیش از وقت نماز به قصد آماده شدن برای ادای نماز واجب وضو بگیرد کفایت می‌کند.

س٣٢/ طرفا العينين أو بداية فتحتي الأنف هل يجب عليه إيصال الماء لهما في الوضوء ؟

پرسش ۳۲:

آیا رساندن آب در وضو به دو گوشۀ چشم یا ابتدای منفذهای بینی واجب است؟

ج/ يجب أن يغسل في الوضوء كل جزء ظاهر من الوجه ولكن لا يجب عليه التدقيق بل يكفي أن يمرر الماء على وجهه.

پاسخ:

در وضو شستن همۀ قسمت‌های آشکار صورت واجب است اما دقیق شدن در آن واجب نیست بلکه جاری شدن آب بر صورتش کفایت می‌کند.

س٣٣/ يحصل أحياناً أن المتوضأ يغسل وجهه بالطريقة التالية: انه يبدأ من الأعلى إلى الأسفل ويردها من الأسفل إلى الأعلى بلا أن يبعدها عن وجهه حتى تصل قصاص الشعر ثم يعود وينزلها إلى الأسفل، فهل هذه طريقة صحيحة لغسل الوجه ؟

پرسش ۳۳:

گاهی پیش می‌آید که شخص وضو گیرنده صورت خود را به صورت زیر می‌شوید: از بالا به پایین شروع به شستن می‌کند و عمل شستن را از پایین به بالا برمی‌گرداند و بدون اینکه (دستش را) از صورتش دور کند تا به نزدیکی موی سر می‌رساند و باز به همین شکل برمی‌گردد و دست خود را به سمت پایین می‌آورد. آیا این نحوۀ شستن صورت صحیح است؟

ج/ إذا بدأ من الأعلى إلى الأسفل فغسله صحيح.

پاسخ:

اگر از بالا به پایین شروع کند شستنش صحیح است.

س٣٤/ بالنسبة لمقطوع اليدين من الكفين أو ما زاد عليهما كيف يكون وضوؤه ؟

پرسش ۳۴:

وضوی کسی که هر دو دستش از ناحیۀ کف دست یا بالاتر قطع شده چگونه است؟

ج/ إن تمكن هو أن يغسل يديه تحت الماء الجاري من الأنبوب أو في حوض ماء فعل وإلا فإن اضطر يغسلها غيره.

پاسخ:

اگر می‌تواند دست‌هایش را زیر آب جاریِ لوله کشی یا در حوض آب بشود، بشوید، اما اگر نمی‌تواند و در حالت اضطرار قرار دارد دیگران دستانش را می‌شویند.

س٣٥/ هل يجب تثبيت اليد وعدم سحبها عند غسلها، وكذا الرجل عند مسحها ؟

پرسش ۳۵:

آیا به هنگام شستن، ثابت بودن دست و تکان نخوردن آن و در مسح پا نیز به همین صورت بودن، واجب است؟

ج/ لا يجب تثبيت اليد عند غسلها ولا الرجل عند مسحها.

پاسخ:

ثابت نگه داشتن دست هنگام شستن و پا هنگام مسح کردنش واجب نیست.

س٣٦/ شخص كان يغسل أعضاء الوضوء أكثر من مرتين وبعدها عرف أن بعد الثانية يبطل الوضوء، فما حكم صلاته الفائتة ؟

پرسش ۳۶:

شخصی همیشه اعضای وضو را بیش از دو مرتبه می‌شسته و بعدها فهمیده است که شستن بیش از دو مرتبه وضو را باطل می‌کند؛ حکم نمازهای از دست‌رفته‌اش چیست؟

ج/ صلاته صحيحة ولا يعيد.

پاسخ:

نمازهایش صحیح است و اِعاده‌شان نمی‌کند.

س٣٧/ يعمل البعض في مهن الحدادة أو تصليح السيارات فيصبح على أيديهم سواد من الحديد ودهن المحركات وما شابه مما يتعلق بعملهم، هل يعد ذلك حائلاً يمنع من صحة الوضوء أو الغسل ؟

پرسش ۳۷:

برخی به شغل آهنگری یا تعمیر ماشین مشغول هستند که درنتیجه دست‌هایشان با آهن یا روغن موتور و سایر موارد که با شغل آنها مرتبط است سیاه می‌گردد. آیا اینها مانع و حجابی که به صحیح بودن وضو یا غسل اشکال وارد می‌کنند محسوب می‌شوند؟

ج/ إذا كان لوناً قد امتصه الجلد لا إشكال فيه، أما إذا كان له جرم يمنع وصول الماء إلى الجلد فيجب إزالته إن كانت إزالته ممكنة ليصل الماء إلى الجلد، أما إذا كانت إزالته غير ممكنة فلا إشكال في الوضوء مع وجوده.

پاسخ:

اگر رنگ جذب پوست شود اشکالی ندارد اما اگر آن رنگ جرمی داشته باشد که مانع رسیدن آب به پوست بشود اگر از بین بردن آن امکان‌پذیر باشد برای آنکه آب به پوست برسد برطرف کردنش بردنش واجب است، اما اگر از بین بردن آن امکان‌پذیر نباشد اشکالی در وضو گرفتن همراه با بودن آن (مانع) وجود نخواهد داشت.

س٣٨/ من تجرح يده أو عضو من أعضاء وضوئه كيف يكون وضوؤه إن استمر عدم انقطاع الدم، خصوصاً والماء ينفذ إلى ما يضعه عليه من قطعة قماش أو ما شابه ؟

پرسش ۳۸:

کسی که دست یا یکی از اعضای وضویش زخمی شده است اگر خونریزیِ آن بی آنکه قطع شود عضو ادامه داشته باشد وضویش چگونه باید باشد؟ با توجه به اینکه آب به داخل آنچه بر روی آن عضو قرار داده است ـ‌مثل قطعۀ پارچه و نظایر آن‌ـ نفوذ می‌کند.

ج/ يمكنه أن يضع على الجرح قطن أو قماش أو لاصق طبي، ولا إشكال لو كان الضماد الطبي يشمل مساحة أكبر من الجرح. ويكفي أن يمسح بيده المبللة بالماء على الضماد مسحاً خفيفاً ولا يجب أن يستوعب المسح كل جزء من الضماد، بل يمرر الماسح على الضماد من كل جهاته فقط وبحسب الممكن له، ولا يكلف الله نفساً إلا وسعها.

پاسخ:

می‌تواند بر روی آن زخم، پنبه، پارچه یا چسب زخم قرار دهد و اشکالی ندارد اگر مساحت قسمت باند پیچی شده بیشتر از زخم آن عضو باشد و مسح کردن سطحی با دست مرطوب بر قسمت باند پیچی شده کفایت می‌کند. واجب نیست تمام قسمت‌های سطح باند پیچی شده مسح شود بلکه فقط تا آنجا که امکان داشته باشد قسمت بانداژ شده را از همۀ جهات مسح می‌کند؛ و خداوند هیچ کسی را تکلیف نمی‌کند مگر به قدر توانایی‌اش.

س٣٩/ هل يشترط مسح الرأس بباطن اليد اليمنى فقط ؟ وماذا لو تعذر المسح بها ؟

پرسش ۳۹:

آیا مسح سر فقط باید توسط کف دست راست انجام شود؟ و اگر نتواند با کف دست راست مسح کند تکلیف چیست؟

ج/ يجوز المسح على الرأس بباطن اليمنى وبباطن اليسرى، ولو تعذر بباطنهما جاز بظاهرهما.

پاسخ:

مسح سر می‌تواند با کف دست راست یا کف دست چپ انجام شود، و اگر با کف دست امکان‌پذیر نباشد می‌تواند با پشت دست مسح بکشد.

س٤٠/ لو أراد مسح رأسه ووصلت يده إلى جبهته فاختلط بماء الوجه، فهل يضر ذلك بصحة الوضوء؟

پرسش ۴۰:

اگر بخواهد سرش را مسح بکشد و دستش تا قسمت پیشانی کشیده به طوری که با آب صورت مخلوط شود، آیا به صحیح بودن وضو اشکالی وارد می‌شود؟

ج/ لا يضر.

پاسخ:

اشکالی وارد نمی‌شود.

س٤١/ فيما إذا كان شعر مقدم الرأس طويل ويسقط على الجبهة، فهل يصح المسح عليه؟

پرسش ۴۱:

اگر موی جلوی سر بلند باشد طوری که بر روی پیشانی بریزد، آیا انجام مسح سر روی این مو صحیح است؟

ج/ يصح المسح على الشعر الموجود في حدود مقدم الرأس حتى وان امتد إلى الجبهة.

پاسخ:

مسح سر بر روی موی جلوی سر صحیح است حتی اگر تا پیشانی ادامه داشته باشد.

س٤٢/ هل يشترط يبوسة مقدم الرأس والرجلين قبل المسح ؟

پرسش ۴۲:

آیا خشک بودن قسمت جلوی سر و پاها قبل از مسح کردن شرط است؟

ج/ لا يشترط.

پاسخ:

شرط نیست.

س٤٣/ هل يصح مسح الرجل اليسرى قبل اليمنى ؟

پرسش ۴۳:

آیا مسح کردن پای چپ قبل از پای راست صحیح است؟

ج/ يصح.

پاسخ:

صحیح است.

س٤٤/ هل ما يصيب اليد كالحبر والجاف يعتبر حائل لا يصح معه الوضوء، وبصورة عامة كيف يعرف أن هذا حائل من عدمه ؟ وما تضعه النساء من صبغ الأظافر ومساحيق التجميل هل يعد حائلاً ؟ وكذا الدهن المستعمل للرأس أو الوجه وما شابه ؟

پرسش ۴۴:

آنچه به دست برخورد می‌کند مثل جوهر و یا چیزهایی که روی پوست دست خشک می‌شوند آیا مانع و حجابی محسوب می‌شوند که وضو با وجودشان صحیح نیست؟ به طور کلی چطور می‌توان فهمید که آنچه روی پوست قرار دارد مانع به حساب می‌آید یا خیر؟ و رنگ ناخن خانم‌ها و مواد آرایشی که روی پوست می‌گذارند آیا مانع به شمار می‌آیند؟ روغنی که برای سر یا صورت استفاده می‌شود و چیزهایی از این دست چطور؟

ج/ كل ما يمنع الماء من الوصول إلى البشرة فهو حائل يجب إزالته أو إيصال الماء من خلاله إلى البشرة التي تحته إن أمكن دون إزالته، وبالنسبة للأحبار والألوان التي تمتصها البشرة وتصطبغ بها فهذه لا تكون حائلا لأنها لا تكون جرما فوق البشرة بل جزيئات لونية متخللة في مسامات البشرة.

پاسخ:

هر چیزی که مانع از رسیدن آب به پوست و حجابی محسوب شود باید برطرف گردد یا اگر امکان‌پذیر باشد بدون برطرف کردن آن آب را از داخل آن به پوستی که زیر آن قرار دارد رساند. در رابطه با رنگ و مرکّب، آنچه جذب پوست شود و در آن نفوذ کند مانع و حجاب نیست زیرا جرمی بر روی پوست محسوب نمی‌شود بلکه لکه‌های رنگی در منافذ پوست شمرده می‌شوند.

س٤٥/ ماذا لو كان هناك دم يابس أو بقع سوداء على الجلد والتي تحدث بعد الجرح أو نزف الدم على بعض أعضاء الوضوء ، فهل تؤثر على صحة الوضوء ؟

پرسش ۴۵:

اگر خون خشک شده یا خون‌مردگی بر اثر جراحت یا خونریزی روی پوست برخی از اعضای وضو وجود داشته باشد تکلیف چیست؟ آیا بر صحیح بودن وضو اشکال وارد می‌کند؟

ج/ يجب أن يكون الموضع المغسول أو الممسوح طاهرا فإن تعذر التطهير لكونه جرحاً لم يبرأ أو جرحا قد جمد عليه الدم فيغطى أو يلف بقماش ويعامل كجبيرة.

پاسخ:

واجب است که محل شستن یا محل مسح کردن پاک باشد؛ بنابراین اگر به دلیل وجود زخمی که بهبود نیافته است نمی‌تواند محل را پاک کند یا بر روی زخم، خون لخته شده وجود دارد، آن را می‌پوشاند یا با پارچه‌ای آن را می‌پیچد و مثل جیبره عمل می‌کند.

س٤٦/ ما لا يجوز للمحدث مسه من كتاب الله هل يشمل الحركات أو فقط حروف الكلمات ؟

پرسش ۴۶:

کسی که حدثی از او سر زده است نمی‌تواند کتاب خدا (قرآن) را لمس کند. آیا این حکم حرکات را هم می‌شود؟ یا فقط حروف کلمات را دربرمی‌گیرد؟

ج/ الحروف فقط.

پاسخ:

فقط حروف.

س٤٧/ كثيراً ما تعرضنا مشكلة وجود أسماء في الصحف والجرائد من قبيل أسماء الأنبياء و الأئمة  لكن لا يراد منها أشخاصهم عليهم السلام بل أسماء لأشخاص آخرين ، فهل يتعامل معها معاملة الأسماء الطاهرة ، أم لا ؟

پرسش ۴۷:

ما به کرّات با مشکل وجود نام‌ها ـ‌از قبیل نام انبیا و ائمه‌ـ در کتاب‌ها و روزنامه‌ها مواجه می‌شویم، اما منظور از این نام‌ها خود امامان و انبیا نیست بلکه صرفاً نام‌هایی برای کسان دیگر هستند. آیا با این نام‌ها نیز همانند نام پاک امامان و انبیا برخورد می‌شود یا خیر؟

ج/ لا يتعامل معها معاملة الأسماء الطاهرة.

پاسخ:

به مانند نام‌های پاک ( امامان و انبیا) عمل نمی‌شود.

س٤٨/ هل يجب منع الطفل عن مس ما لا يجوز مسه إلا متطهراً ؟

پرسش ۴۸:

آیا منع کردن کودک از لمس کردن آنچه نباید بدون طهارت لمس شود واجب است؟

ج/ لا يجب ولكنه مستحب.

پاسخ:

واجب نیست ولی مستحب است.

س٤٩/ هل يعتبر حكم مراقد الأئمة عليهم السلام كالمساجد ؟

پرسش ۴۹:

آیا حکم مرقدهای پاک ائمه همانند مسجدها است؟

ج/ نعم حكمها حكم المساجد وهي من أعظم المساجد حرمة.

پاسخ:

بله، حکم آنها هم مثل حکم مسجدها است و از نظر حرمت جزو برترین و بالاترین مسجدها هستند.

\* \* \*

**الغسل:**

**غسل**

س٥٠/ ورد في وجوب الغسل التقاء الختانين، فما المقصود به ؟

پرسش ۵۰:

در واجب شدن غسل آمده است: تلاقی دو ختنه‌گاه. منظور از این عبارت چیست؟

ج/ المراد هو: تقريباً دخول حشفة العضو التناسلي للذكر (الزوج) أو بقدرها في باطن فرج الانثى (الزوجة). والتقاء الختانين معناه: التقاء مقدمة العضو التناسلي الذكري التي هي موضع الختان المعروف مع فتحة المهبل في العضو التناسلي الانثوي.

پاسخ:

منظور از آن: به طور تقریبی داخل شدن سرِ آلت تناسلی جنس مذکر (شوهر) ـ‌یا به اندازۀ آن‌ـ به درون فرج جنس مونث (زن) می‌باشد؛ و معنای تلاقی دو ختنه‌گاه: تلاقی جلوی آلت تناسلی جنس مذکر که همان محل ختنه‌گاه شناخته شده است با باز شدن واژَن در آلت تناسلی جنس مونث.

س٥١/ هل أن القشرة الكثيرة في الشعر تعد حائلاً في الغسل الواجب ؟

پرسش ۵۱:

آیا شورۀ زیاد در سر مانعی در غسل واجب محسوب می‌شود؟

ج/ لا تعد حائلاً.

پاسخ:

مانع به حساب نمی‌آید.

س٥٢/ إن كان قد شعر بالاحتلام في نومه وبعد نهوضه لم يجد أثر المني على لباسه، فهل يجب عليه الغسل ؟

پرسش ۵۲:

اگر شخصی در خواب احساس کند محتلم شده و بعد از بیدار شدن اثری از منی در لباسش نیابد آیا غسل بر او واجب است؟

ج/ لا يجب.

پاسخ:

واجب نیست.

س٥٣/ ورد بحق من شك ببلل بعد الغسل أنه (إن كان قد بال أو استبرأ قبل الغسل لم يعد)، هل المقصود هو الاستبراء عن المني بنفس طريقة الاستبراء عن البول ؟

پرسش ۵۳:

در مورد کسی که بعد از غسل کردن شک کند که رطوبتی دیده آمده است: (اگر قبل از غسل ادرار یا استبرا نموده باشد غسل را تکرار نمی­کند). آیا استبرا از منی به همان روش استبرا از ادرار است؟

ج/ نفس طريقة الاستبراء.

پاسخ:

همانند روش استبرا کردن (استبرا از ادرار) می‌باشد.

س٥٤/ ما حكم عبادة من لم يغتسل غسل التوبة بعد الإيمان ؟

پرسش ۵۴:

حکم عبادت کسی که بعد از ایمان آوردن غسل توبه نکرده باشد چیست؟

ج/ عبادته صحيحة ولكن لا يسقط غسل التوبة.

پاسخ:

عبادتش صحیح است ولی غسل توبه از او ساقط نمی‌گردد.

س٥٥/ مراقد الأئمة  لها حكم المساجد، ولكن ما هو المقصود بالمرقد تحديداً ؟

پرسش ۵۵:

زیارتگاه‌های امامان حکم مسجد را دارند؛ ولی به طور مشخص منظور از زیارتگاه (مرقد) چیست؟

ج/ المرقد هو القبر مع البناء الأول المحيط به مباشرة، ولو وسع البناء دخلت التوسعة في الحكم، ولو ضيق خرجت المساحة المتروكة من الحكم.

پاسخ:

زیارتگاه (مرقد) قبر به همراه اولین بنایی است که محیط به آن می‌باشد. اگر آن بنا توسعه یابد مقدار توسعه یافته نیز در این حکم وارد می‌شود و اگر کوچکتر شود آن سطح، کنار گذاشته شده، از حکم خارج می‌شود.

س٥٦/ مراقد أبناء المعصومين  كالسيدة معصومة عليها السلام وغيرها هل تلحق بمراقد الأئمة  من حيث الأحكام التي تتعلق بالجنب والحائض ؟

پرسش ۵۶:

آیا حکم زیارتگاه‌های امام‌زاده‌ها ـ‌مثل سیده فاطمه‌ معصومه  و دیگر امام‌زاده‌ها‌ـ ‌از نظر احکام مربوط به جنب و حائض‌ مثل حکم مرقد ائمه است؟

ج/ لا تلحق.

پاسخ:

نیست.

س٥٧/ ماذا يفعل لو كان قد وشم على بدنه اسم الجلالة أو اسم أحد المعصومين في مواضع يصعب التحرز من وصول النجاسة لها، ولو كان يصعب إزالته عليه فهل يجب عليه التطهر فوراً عن الحدث الأصغر والأكبر تجنباً لمسه وهو غير متطهر ؟

پرسش ۵۷:

اگر کسی بر بدنش نام جلاله (الله) یا نام یکی از معصومین را خالکوبی کرده باشد آنهم در جاهایی که دور نگاه داشتن‌شان از رسیدن نجاست سخت است و اگر از بین بردن خالکوبی نیز برای این شخص دشوار باشد، آیا واجب است که این فرد بلافاصله خود را از حدث اصغر و حدث اکبر تطهیر کند تا ‌در حالی که پاک نیست‌ از لمس کردن آن موضع اجتناب کرده باشد؟

ج/ وشم البدن بهذه الأسماء غير جائز، ولو كان قد فعل هذا الأمر فيجب عليه أن يزيله إن أمكن، وإلا فلا يجوز أن ينجسه. ولو وقعت عليه النجاسة يطهره، ولا يجب عليه أن يتطهر من الحدث ليمس الوشم الذي في بدنه.

پاسخ:

خالکوبی این نام‌ها بر بدن جایز نیست، و اگر چنین کرده باشد اگر می‌تواند باید آن را برطرف نماید وگرنه نجس کردن آن قسمت جایز نیست، و اگر نجاستی با آن قسمت برخورد کرد آن را پاک کند. پاک نگاه داشتن خود از حدث به دلیل لمس کردن خالکوبی بدنش بر او واجب نیست.

س٥٨/ هل روايات المعصومين أو النجمة أو الأحراز والأدعية لها نفس حكم آيات القرآن وأسماء المعصومين  من الحكم بعدم جواز المس إلا بطهارة ؟

پرسش ۵۸:

آیا حکم روایات معصومین، ستاره (داوود)، حرزها یا دعاها از نظر جایز نبودن لمس کردن آنها مگر با طهارت همانند حکم آیات قرآن و نام‌های معصومین است؟

ج/ لا يجب التطهر لمسها.

پاسخ:

برای لمس کردن آنها طهارت داشتن واجب نیست.

س٥٩/ لو كان على المكلف أكثر من غسل ومن ضمنه غسل الجنابة، فإذا لم يذكر غسل الجنابة في النية ونوى غسلاً آخر، هل يجزيه ذلك عن غسل الجنابة ؟

پرسش ۵۹:

اگر بر مکلف چند غسل ـ‌که غسل جنابت نیز ضمن آنها است‌ـ واجب شده باشد، اگر در نیت خود، غسل جنابت را یادآوری نکرده و نیت غسل دیگری را کرده باشد، آیا این غسل، غسلِ جنابت را نیز کفایت می‌کند؟

ج/ يجزيه وإن كان الغسل الآخر الذي نواه مستحباً.

پاسخ:

برای غسل جنابت نیز کفایت می‌کند حتی اگر غسل دیگری که در نیتش بوده است مستحب بوده باشد.

س٦٠/ إمناء الرجل معلوم، فما هو إمناء المرأة ؟

پرسش ۶۰:

بیرون ریختن منیِ مرد (اِمنا) روشن است؛ اِمنای زن چگونه است؟

ج/ الامناء في المرأة يتحقق بأمرين شبق الشهوة أو الرعشة ونزول السائل إلى الفرج.

پاسخ:

اِمنا در زن به دو صورت محقق می‌شود: 1- غالب شدن شهوت جنسی یا رَخوَت و سستی و لرزش در بدن، 2- سرازیر شدن مایع روان به فرج.

س٦١/ ماذا تعني الكراهة في العبادة ؟

پرسش ۶۱:

معنی (مکروه بودن) در عبادت چیست؟

ج/ الكراهة تعني أن الأفضل ترك الفعل.

پاسخ:

مکروه بودن یعنی انجام ندادن آن عمل بهتر است.

س٦٢/ امرأة كانت تحتلم ولم تكن تعلم بوجوب الغسل فما حكم صلاتها ؟

پرسش ۶۲:

زنی محتلم می‌شود. اگر نداند غسل بر او واجب شده است، حکم نمازش چیست؟

ج/ تقضيها.

پاسخ:

نمازش را قضا می‌کند.

س٦٣/ هل يجوز وطئ المرأة في الدبر ؟

پرسش ۶۳:

آیا نزدیکی کردن از مقعد زن جایز است؟

ج/ التفصيل موجود في كتاب الزواج.

پاسخ:

جزئیات آن در کتاب نکاح موجود است.

س٦٤/ يحتاج الرجل أحياناً إلى إخراج المني لغرض فحصه ومعرفة قابلية الإنجاب فيه, ويتعذر عليه ذلك عن طريق زوجته, فهل يجوز إخراجه بطريقة أخرى ؟!

پرسش ۶۴:

برای اخذ نمونه از مردی برای مشخص کردن قابلیت باروری در او، اگر او انجام این عمل از طریق همسرش را نپذیرد، آیا به روش دیگر غیر از همسرش می‌توان این عمل را انجام داد؟

ج/ الاستمناء حرام إذا كان بواسطة جسم الإنسان نفسه ويجوز بواسطة جسم الزوجة.

پاسخ:

استمنا با استفاده از جسم خود انسان حرام و اگر به واسطۀ جسم همسرش باشد مجاز است.

\* \* \*

**غسل الجمعة:**

**غسل جمعه**

س٦٥/ في غسل يوم الجمعة إذا وقع نصف الغسل قبل الزوال والبعض الآخر بعد الزوال، فهل يكون مجزياً عن الوضوء ؟

پرسش ۶۵:

اگر در غسل روز جمعه، نیمی از غسل پیش از زوال (نیم‌روز) و بقیۀ آن بعد زوال واقع شود، آیا به جای وضو نیز محسوب می‌شود؟

ج/ الأغسال مجزية عن الوضوء وغسل الجمعة كذلك سواء أتى به قبل الزوال أم بعده وحتى إن قدمه يوم الخميس لخوفه عوز الماء بل وحتى قضاءه يوم السبت فهو مجز عن الوضوء.

پاسخ:

غسل‌ها به جای وضو نیز محسوب می‌شوند و غسل جمعه نیز اینچنین است و فرقی نمی‌کند آن را پیش از زوال (نیم‌روز) انجام داده باشد یا بعد از زوال، و حتی اگر آن را به دلیل ترس از کمبود آب زودتر در روز پنجشنبه انجام دهد و حتی قضای آن در روز شنبه به جای وضو نیز به همین صورت خواهد بود.

س٦٦/ هل يجوز لامرأة حائض أن تغتسل غسل يوم الجمعة ؟

پرسش ۶۶:

آیا انجام غسل روز جمعه برای زن حائض جایز است؟

ج/ نعم يجوز وتؤجر عليه كما تؤجر على ذكر الله وعلى جلوسها في مصلاها.

پاسخ:

بله جایز است و برای آن پاداش می‌گیرد؛ همانطور که برای یاد خدا و نشستن در محل نمازش پاداش می‌گیرد.

\* \* \*

**أحكام النساء:**

**پرسش‌های مربوط به بانوان**

س٦٧/ لو رأت الدم في أول يوم فأفطرت وتركت الصلاة ظناً منها أنه حيض، ثم لم يكن هناك توالي ثلاث أيام للدم، فماذا تفعل، وهل عليها كفارة الإفطار المتعمد ؟

پرسش ۶۷:

اگر زنی در ابتدای روز خون ببیند و به گمان اینکه آن خون حیض است روزه را افطار و نمازش را ترک کند، سپس سه روز پشت سر هم آمدن خون را نبیند، چه باید بکند؟ آیا کفارۀ عمد افطار روزه بر عهده‌اش است؟

ج/ يجب عليها القضاء فقط.

پاسخ:

فقط قضا بر عهده‌اش است.

س٦٨/ هل يجب على المرأة أن تنتبه لوقت وعدد عادتها ؟

پرسش ۶۸:

آیا توجه کردن به وقت و تعداد روزهای عادت برای زن واجب است؟

ج/ يجب عليها.

پاسخ:

واجب است.

س٦٩/ يحرم على الحائض عدة أمور، ماذا لو فعلتها غير متعمدة ؟

پرسش ۶۹:

برخی کارها بر حائض حرام می‌شود. اگر آنها را به طور غیر عمد انجام دهد حکمش چیست؟

ج/ إن فعلت ما يحرم عليها عن سهو أو النسيان لا تعتبر آثمة.

پاسخ:

اگر آنچه بر او حرام است را از روی سهو یا فراموشی انجام دهد گناهکار به شمار نمی‌آید.

س٧٠/ من هي المرأة القرشية ؟

پرسش ۷۰:

زن قرشی به چه کسی گفته می‌شود؟

ج/ التي تنتسب عن طريق الأب إلى إحدى قبائل قريش وبعضهم مشهور الآن مثل العلويين والعباسيين.

پاسخ:

زنی که از طریق پدر به یکی از قبایل قریش منتسب شود. برخی از این قبایل ـ‌مثل علویان یا عباسیان‌ـ در حال حاضر شناخته شده‌اند.

س٧١/ هل يكره صبغ الشعر للمرأة في فترة حيضها ؟

پرسش ۷۱:

آیا در ایام حیض رنگ کردن مو برای زن کراهت دارد؟

ج/ نعم يكره.

پاسخ:

بله، کراهت دارد.

س٧٢/ امرأة غير قرشية وتجاوزت الخمسين ولكنها لا زالت ترى الدم بصفة دم الحيض، فهل تعمل بعمل الحائض أو المستحاضة ؟

پرسش ۷۲:

زنی قرشی نیست و سنش بیش از ۵۰ سال است ولی همچنان خونی با ویژگی‌های خون حیض می‌بیند. آیا مطابق زن حائض عمل می‌کند یا زن مستحاضه؟

ج/ بعد سن اليأس كل دم تراه لا يعد حيضاً.

پاسخ:

بعد از سن یائسگی هر خونی که ببیند خون حیض محسوب نمی‌شود.

س٧٣/ كيف يتم حساب اليوم في عادة المرأة كما إذا رأته ليلاً أو في منتصف اليوم ؟

پرسش ۷۳:

اگر شب هنگام یا نیم‌روز خون ببیند حساب روزهای ایام عادت زن چگونه محاسبه می‌شود؟

ج/ اليوم أربع وعشرون ساعة فإذا رأته مثلاً في منتصف اليوم فحتى منتصف اليوم القادم تتم يوماً.

پاسخ:

روز بیست و چهار ساعت است؛ در نتیجه اگر به عنوان مثال در وسط روز خون ببیند تا وسط روز بعد یک روز کامل می‌گردد.

س٧٤/ هل يجب على الحائض قبل الغسل الاستبراء بالقطنة ؟ وماذا لو أخلت بذلك ؟

پرسش ۷۴:

آیا واجب است حائض قبل از غسل کردن با پنبه استبرا نماید؟

ج/ يجب الاستبراء إن كانت شاكة في النقاء من الحيض، ويجوز أن يطأها زوجها قبل الغسل أن استبرأت، ويحرم وطئها قبل الغسل إن لم تستبرأ. وان اغتسلت دون استبراء صح غسلها ويجوز لزوجها أن يطأها، ولا كفارة إن تبين لهما بعد ذلك أنها لا تزال حائضاً.

پاسخ:

اگر در پاک شدن از حیض شک داشته باشد باید استبرا کند، و اگر پیش از غسل استبرا کرده باشد نزدیکی شوهرش با او جایز، و اگر پیش از غسل استبرا نکرده باشد نزدیکی با او حرام است. اگر بدون استبرا غسل کند، غسلش صحیح است و شوهرش می‌تواند با او نزدیکی کند و اگر بعد از غسل کردن و انجام نزدیکی برای آنها روشن شود که هنوز آن زن حائض است، کفاره‌ای در کار نخواهد بود.

س٧٥/ تذكر القطنة عادة عند ذكر استبراء المرأة من دم الحيض أو في معرفة حالة الاستحاضة، فهل يكفي استعمال غيرها كورق (الكلينكس) وما شابهه ؟

پرسش ۷۵:

به طور معمول برای وارسی استبرا زن از خون حیض یا بررسی وضعیت استحاضه از پنبه سخن به میان می‌آید. آیا استفاده از چیز دیگری مثل دستمال کاغذی و شبیه آن نیز کفایت می‌کند؟

ج/ يجزي أي مادة تؤدي الغرض.

پاسخ:

استفاده از هر چیزی که این منظور را برآورده می‌کند جایز است.

س٧٦/ وهل يشترط فيها سماكة أو جنس أو لون معين ؟

پرسش ۷۶:

و آیا برای آن چیز (وسیلۀ وارسی) اندازه، جنس یا رنگ مشخصی شرط است؟

ج/ لا يشترط.

پاسخ:

شرط نیست.

س٧٧/ المرأة إذا كانت ذات عادة عددية ورأت الدم بعد انتهاء عادتها بصفات الاستحاضة ضمن العشرة فهل تعتبره حيضاً ولا تعتد بالصفات ؟

پرسش ۷۷:

اگر زن، دارای عادت براساس تعداد روز باشد و پس از پایان یافتن عادتش ـ‌در ‌ضمن ده روز‌ـ خون با ویژگی‌های استحاضه ببیند، آیا آن را حیض محسوب کند و به ویژگی‌های آن اعتنا نکند؟

ج/ تعتبره حيضاً.

پاسخ:

حیض در نظر بگیرد.

س٧٨/ لو عملت المرأة بأحكام الاستحاضة في أيام الحيض خطأ، فما هو الحكم من حيث العبادة، أو اقتراب زوجها لها من حيث الكفارة ؟

پرسش ۷۸:

اگر زنی به اشتباه در ایام حیض طبق احکام استحاضه عمل کند، حکم او در عبادت یا نزدیکی شوهرش با او ـ‌از نظر کفاره‌ـ چیست؟

ج/ ليس عليهما شيء إن كان خطأ.

پاسخ:

اگر از روی خطا و اشتباه بوده باشد چیزی بر عهدۀ آنها نیست.

س٧٩/ ورد: (لو رأت الدم ثلاثة أيام ثم انقطع ورأت قبل العاشر كان كله حيضاً)، فهل عليها أو على زوجها شيء لو كانت تعتقد أنها طهرت بعد الثلاثة وقاربها زوجها ؟ وكذا باقي الأمور التي يحرم على الحائض فعلها.

پرسش ۷۹:

آمده است: (اگر زن سه روز خون ببیند و بعد قطع گردد و قبل از روز دهم دوباره خون ببیند، همۀ این مدت یک حیض حساب می­گردد). اگر بعد از این سه روز که یقین دارد پاک شده با شوهرش نزدیکی کرده باشد، آیا چیزی بر عهدۀ او یا شوهرش است؟ و همین‌طور در مورد سایر مواردی که انجام دادن‌شان بر حائض حرام است؟

ج/ ليس عليها ولا على زوجها شيء.

پاسخ:

چیزی بر عهدۀ او یا شوهرش نیست.

س٨٠/ ما هو الأفضل للمرأة الحائض قراءة القرآن مع الكراهية أو عدم قراءته ؟ وماذا تفعل إذا كانت معتادة على قراءة سورة يس مثلاً كل يوم ؟

پرسش ۸۰:

چه کاری برای زن حائض بهتر است؟ خواندن قرآن با وجود کراهت داشتن یا نخواندن قرآن؟ اگر به عنوان مثال هر روز عادت به خواندن سورۀ یاسین داشته باشد، چه باید بکند؟

ج/ الأفضل ترك القراءة والالتجاء إلى التسبيح وذكر الله سبحانه.

پاسخ:

نخواندن قرآن و پناه بردن به تسبیح و ذکر خداوند سبحان برایش بهتر است.

س٨١/ يكره للحائض قراءة ما عدا العزائم، فهل هي ما زاد على سبع آيات كما في المجنب أم حالها يختلف عنه ؟

پرسش ۸۱:

خواندن قرآن ـ‌به غیر از عزایم (سوره‌های دارای سجدۀ واجب)‌ـ برای حائض کراهت دارد. آیا برای او این کراهت ـ‌مثل جنب‌ـ در خواندن بیش از هفت آیه بیشتر است؟ یا وضعیت او به گونۀ دیگری است؟

ج/ يكره حتى آية واحدة وكلما زادت اشتدت الكراهة.

پاسخ:

حتی خواندن یک آیه هم (برای او) کراهت دارد و هر چه بیشتر بخواند کراهتش بیشتر خواهد بود.

س٨٢/ وكراهة قراءة ما زاد على السبع آيات، هل يشمل ما لو كانت القراءة لطرح الحق على طلابه مثلاً، وعادة ما يتطلب قراءة أكثر من سبع آيات ؟

پرسش ۸۲:

و کراهت خواندن بیش از هفت آیه، آیا اگر به عنوان مثال خواندن قرآن برای ارایۀ حق به خواهانش باشد را نیز شامل می‌شود؟ در حالی که به طور معمول آنچه آنها درخواست می‌کنند بیش از هفت آیه را شامل می‌گردد.

ج/ لا يكره قراءة القرآن للمجنب والحائض إذا كان لبيان الحق والدعوة إلى دين الله.

پاسخ:

اگر خواندن قرآن برای بیان حق و دعوت به دین خدا باشد کراهتی برای حائض و جنب نخواهد داشت.

س٨٣/ وهل حكم الاستماع كحكم القراءة من حيث الكراهة ؟

پرسش ۸۳:

آیا از نظر کراهت داشتن، حکم شنیدن قرآن مانند خواندن قرآن است؟

ج/ لا يكره الاستماع.

پاسخ:

شنیدن قرآن مکروه نیست.

س٨٤/ وهل يمكن لمن عليها الحيض أن تغتسل لو آمنت بالحق، أو تنتظر حتى تطهر ؟

پرسش ۸۴:

آیا زن حائضی که به حق ایمان می‌آورد می‌تواند غسل کند؟ یا منتظر می‌ماند تا پاک شود بعد غسل کند؟

ج/ يمكنها أن تغتسل، والأفضل لها أن تعيده عندما تطهر أي تنويه مع غسل الحيض.

پاسخ:

می‌تواند غسل کند و بهتر است وقتی پاک شد غسل را تکرار کند؛ یعنی همراه غسل حیض آن غسل را نیز در نیّت خود بیاورد.

س٨٥/ امرأة تأخذ أقراص لمنع الحيض في شهر رمضان لتمنع نزول الدم لأجل أن تصوم فما حكمها ؟ وما حكم الدم الذي تراه لفترات قليلة جدا في أيام العادة وغيرها ؟

پرسش ۸۵:

زنی در ماه رمضان برای جلوگیری از خون‌ریزی و حیض نشدن قرص می‌خورد. حکمش چیست؟ و اگر برای مدت بسیار کمی در ایام عادت و یا سایر روزها خون ببیند حکمش چه خواهد بود؟

ج/ يكره أخذها حبوب لتمنع الحيض، أما إن رأت دم في أيام عادتها أي لثلاثة أيام أو أكثر فهو حيض وإن كان قليلاً ومتقطعاً.

پاسخ:

خوردن قرص برای جلوگیری از عادت ماهانه مکروه است، اما اگر در روزهای عادت ماهیانه‌اش سه روز یا بیشتر خون ببیند، خونِ حیض است، حتی اگر کم و منقطع باشد.

س٨٦/ امرأة لم تكن تميز بين الحيض والاستحاضة فكانت تفطر في فترة الاستحاضة، فهل يجب عليها الكفارة ؟

پرسش ۸۶:

اگر نتواند حیض را از استحاضه تمییز دهد و در روزهای استحاضه روزه نگرفته باشد، آیا بر او کفاره واجب است؟

ج/ لا تجب عليها الكفارة.

پاسخ:

بر او کفاره واجب نیست.

س٨٧/ حكم المستحاضة تجديد الوضوء لكل فرض فإذا توضأت لصلاة الظهر وعلمت بعدم خروج الدم فهل يجب عليها إعادة الوضوء لصلاة العصر أم يجزي وضوؤها الأول ؟

پرسش ۸۷:

زنی که استحاضه شده است برای هر فریضه تجدید وضو می‌کند. اگر برای نماز ظهر وضو بگیرد و بداند که خونی از او خارج نشده آیا واجب است برای نماز عصر دوباره وضو بگیرد؟ یا همان وضوی اولش کفایت می‌کند؟

ج/ لا يجب ويجزي الوضوء الأول.

پاسخ:

واجب نیست و همان وضوی اولش کفایت می‌کند.

س٨٨/ جمع المستحاضة لصلاتي الظهر والعصر مثلاً بوضوء واحد في حالة الاستحاضة الصغرى، هل يكفي حتى لو علمت بخروج دم منها بين الصلاتين ؟

پرسش ۸۸:

زنی در حالت استحاضۀ صغری (استحاضۀ قلیله یا کم) با یک وضو دو نماز ظهر وعصرش را با هم می‌خواند. حتی اگر بفهمد که در بین دو نماز خونریزی کرده است آیا همین حکم برقرار است؟

ج/ يكفيها وضوء واحد لتجمع بين صلاتين ولا يضرها إن خرج دم الاستحاضة بعد الوضوء سواء في صلاة الظهر أو العصر أو بينهما.

پاسخ:

یک وضو برای خواندن دو نماز پشت سر هم کافی است و اگر خون این استحاضه بعد از وضو چه در نماز ظهر، چه عصر و چه بین آن دو خارج شود، به وضویش اشکالی وارد نمی‌کند.

س٨٩/ وفي صورة الاستحاضة الوسطى، هل يكفي أيضاً وضوء واحد عند الجمع بين صلاتين ؟

پرسش ۸۹:

آیا در استحاضۀ متوسطه یک وضو برای خواندن دو نماز پشت سر هم کافی است؟

ج/ يكفي وضوء واحد عند الجمع بين صلاتين.

پاسخ:

یک وضو برای دو نماز پشت سرهم کفایت می‌کند.

س٩٠/ لو صلت صلاة الفجر وحالتها استحاضة صغرى، ثم عند الظهر تحولت إلى وسطى، فهل يجب عليها الغسل أم تنتظر إلى صلاة الغداة من اليوم التالي لتغتسل ؟

پرسش ۹۰:

اگر نماز صبح را خواند و وضعیتش استحاضۀ قلیله بود سپس هنگام نماز ظهر به استحاضۀ متوسطه تبدیل شود آیا غسل بر او واجب می‌شود؟ یا منتظر نماز صبح روز بعد بماند تا غسل کند؟

ج/ لا يجب عليها أن تغتسل حالاً بل الواجب أن تغتسل لصلاة الفجر، وإن تعذر أو شقّ عليها الغسل لصلاة الفجر اغتسلت في أي وقت يمكنها أن تغتسل فيه خلال اليوم وإن كان الأفضل أن يكون قبل صلاة واجبة.

پاسخ:

واجب نیست در همان هنگام غسل کند بلکه باید برای نماز صبح غسل کند، و اگر عذری داشته باشد یا غسل برای نماز صبح برایش سخت و مشقت‌آور باشد در هر زمان از طول روز که برایش ممکن بود غسل می‌کند، هرچند بهتر است پیش از نماز واجب باشد.

س٩١/ وهل تحتاج إلى ضم الوضوء إلى غسلها لو كانت حالتها تتطلب غسلاً ؟

پرسش ۹۱:

اگر وضعیت به گونه‌ای باشد که باید غسل کند، آیا بعد از غسل باید وضو نیز بگیرد؟

ج/ لا يجب عليها أن تتوضأ إن اغتسلت قبل الصلاة بل يكفيها الغسل لأداء الصلاة.

پاسخ:

اگر قبل از نماز غسل کند واجب نیست وضو بگیرد و همان غسل برای به جا آوردن نماز کفایت می‌کند.

س٩٢/ وفي صورة الاستحاضة الكبرى، هل الجمع بين صلاتين بغسل واحد أمر واجب عليها أم يمكنها أن تفرق ؟ وإذا فرقت فهل يكون عليها خمسة اغسال ؟ وماذا إذا لم يخرج الدم بعد غسل صلاة الظهر - مثلاً - فهل يجب عليها أيضا الغسل لصلاة العصر ؟

پرسش ۹۲:

در صورت استحاضۀ کثیره آیا با یک غسل حتما باید دو نماز را پشت سر هم خواند یا می‌توان بین آنها فاصله انداخت؟ واگر فاصله بیفتد آیا باید پنج بار غسل کرد؟ و اگر به عنوان مثال بعد از غسل نماز ظهر خونی خارج نشود آیا واجب است برای نماز عصر نیز دوباره غسل کند؟

ج/ لا يجب عليها الجمع، ولكن لو فرقت اغتسلت لكل صلاة. أما لو لم يخرج دم بعد الغسل فلا يجب عليها الغسل مرة أخرى.

پاسخ:

پشت سر هم خواندن نمازها واجب نیست. اگر بین نمازها فاصله بیندازد برای تمام نمازها غسل می‌کند، اما اگر بعد از غسل خونی خارج نشود واجب نیست بار دیگر (برای نماز بعدی) غسل نماید.

س٩٣/ ورد في صور الاستحاضة (يلزمها تغيير القطنة) عند كل صلاة، فهل التغيير لازم عند كل صلاة حتى مع عدم وجود الدم فيها ؟

پرسش ۹۳:

در مورد وضعیت استحاضه وارد شده است که برای هر نماز باید پنبه را عوض کند. آیا این تعویض برای تمام نمازها ـ‌حتی با وجود نبودن خون‌ـ لازم است؟

ج/ إذا لم يكن في القطنة دم لا يجب تغييرها.

پاسخ:

اگر در پنبه خونی نباشد تعویض آن لازم نیست.

س٩٤/ ورد في الشرائع: (إذا انقطع الدم لدون عشرة فعليها الاستبراء بالقطنة، فإن خرجت نقية اغتسلت، وإن كانت متلطخة صبرت المبتدئة حتى تنقى أو تمضي لها عشرة أيام. وذات العادة تغتسل بعد ثلاثة أيام من عادتها، فإن استمر إلى العاشر وانقطع، قضت ما فعلته من صوم. وإن تجاوز كان ما أتت به مجزياً)، ما معنى (وذات العادة تغتسل ...الخ) ؟

پرسش ۹۴:

در کتاب شرایع آمده است: (اگر خون قبل از ده روز قطع شد بر زن واجب است که با پنبه خود را وارسی کند، اگر پنبه پاک بود باید غسل کند و اگر به خون آغشته شد، زن مبتدئه باید صبر کند تا پاک شود یا اینکه ده روز کامل گردد؛ و زن صاحب عادت معیّن تا سه روز بعد از عادت خود صبر کند سپس غسل نماید، پس اگر تا روز دهم خون دیدن استمرار یابد و قطع شود روزه­هایی را که از زمان غسل کردن تا روز دهم گرفته، باید قضا کند و اگر بیش از ده روز بود، آنچه را که به جا آورده است مورد قبول است). معنی عبارت ( زن صاحب عادت معیّن .... غسل نماید ) چیست؟

ج/ المعنى هو: (ذات العادة تستبرء بالقطنة بعد انقضاء أيام عادتها فإن خرجت القطنة نقية اغتسلت، وإن كانت ملطخة صبرت حتى تنقى وتغتسل. فإذا لم تنقَ أو استمر معها الدم بعد مضي ثلاثة أيام بعد عادتها اغتسلت إن لم تنقَ، فإن استمر الدم إلى العاشر وانقطع قضت ما فعلته من صوم؛ لأنه كان في أيام حيض، وإن تجاوز كان ما أتت به مجزياً؛ لأنه كان في أيام استحاضة أي أيام طهر وليست أيام حيض).

پاسخ:

معنی این عبارت: زن صاحب عادت معین پس از تمام شدن روزهای عادتش با پنبه خود را وارسی می‌کند، اگر پنبه پاک باشد باید غسل کند و اگر لکه بینی داشت صبر می‌کند تا پاک شود و غسل کند. اگر پاک نشود یا خون تا سه روز پس از ایام عادتش ادامه داشت، غسل می‌کند. اگر پاک نشد، اگر خون تا روز دهم ادامه داشت و قطع شد، روز‌های از دست رفته‌اش را قضا می‌کند ـ‌چرا که در ایام حیض بوده است‌ـ ولی اگر بیش از آن شد هر چه انجام داده است صحیح است، چرا که او در ایام استحاضه بوده ـ‌یعنی ایام پاکی‌‌ـ و روزهای حیض محسوب نمی‌شده است.

س٩٥/ ما معنى ما ورد في كتاب الشرائع: (وإذا استمر الدم بعد العاشر فإن تميز بأوصاف الإستحاضة فهو إستحاضة، وإلا فهو حيض. فإن كانت ذات عادة عددية تحيضت بعدد أيامها، وإلا فبعدد نسائها أو سبعة أيام، فإن استمر الدم استظهرت بثلاثة أيام ثم ما بعدها إستحاضة) ؟

پرسش ۹۵:

معنی این عبارت که در کتاب شرایع آمده است چیست: (اگر خون بیش از ده روز ادامه یابد، اگر اوصاف خون استحاضه را داشته باشد استحاضه است، در غیر ­این­ صورت حیض است. اگر عادت، عددی مشخص داشته باشد، به همان تعداد روز حیض حساب ­کند وگرنه باید به تعداد روزهای عادت زنان فامیل خود حیض قرار دهد یا اینکه هفت روز حیض به شمار آورد، و اگر باز خون دیدن ادامه بیابد سه روز وارسی کند، سپس مابقی را استحاضه قرار دهد).

ج/ هذا بالنسبة للنفاس، ومعناه: أن النفساء إذا استمر معها خروج الدم حتى بعد أن أتمت الأيام العشرة التي هي أيام النفاس فإنها تنظر إلى أوصاف الخارج، فإما أن يكون بأوصاف الاستحاضة فتعتبره استحاضة، أو لا يكون وبهذا تعتبره حيضاً.

پاسخ:

این عبارت مربوط به نفاس است، و معنی آن: اگر خروج خون از زنی که زایمان کرده ادامه پیدا کند تا آنجا که فراتر از ده روز ـ‌که از روزهای نفاس است‌ـ گردد، به ویژگی‌های خونی که خارج می‌شود نگاه می‌کند؛ اگر ویژگی‌های خون استحاضه را داشته باشد آن را استحاضه به شمار می‌آورد و اگر نباشد آن را حیض محسوب می‌کند.

والآن نأتي لأحكام هذا الذي اعتبرته حيضاً: فهي إن كانت ذات عادة عددية قبل الحمل تحيضت بعدد أيامها التي تعرفها هي، وما بعدها يكون استحاضة، وإن لم تكن ذات عادة عددية قبل الحمل تحيضت (أي تحسب أيام الحيض) بعدد حيض نسائها (أي قريباتها) فإن اختلفن تحيضت بسبعة أيام، فإن استمر الدم بعد مدة الحيض التي قررتها لم تعتبر ما حصل بعد النفاس كله حيضاً بل استظهرت بثلاثة أيام فقط والباقي تعتبره استحاضة.

اکنون احکامی را که مربوط به وضعیت حیض بودن است ذکر می‌کنیم: اگر پیش از حامله بودن دارای عادت عددی (تعداد روزهای مشخص) بوده باشد به تعداد همان روزهایی که پیش‌تر حیض می‌شده را حیض و بعد از آن استحاضه به حساب می‌آورد. اگر پیش از حامله بودن عادت عددی مشخصی نداشته باشد اگر زن‌های فامیل نزدیکش عادت یکسانی داشته باشند روزهای حیض را همانند آنها حساب می‌کند ولی اگر متفاوت باشند هفت روز را حیض محسوب می‌کند. اگر خون بعد از روزهای حیضی که مشخص کرده است ادامه یابد، همۀ آنچه بعد از نفاس اتفاق می‌افتد به طور کامل حیض به حساب نمی‌آورد بلکه تنها سه روز بعد از آن را به آن اضافه می‌کند و باقی را استحاضه به شمار می‌آورد.

وكمثال للتوضيح: امرأة عادتها العددية خمسة أيام ولدت واستمر معها خروج الدم ثمانية عشر يوماً.

مثالی برای روشن‌تر شدن مطلب: اگر زنی عادتش پنج روز بوده باشد و پس از ولادت فرزندش تا هجده روز خون ببیند،

العشرة الأولى أيام نفاس، وفي اليوم الحادي عشر نظرت إلى الدم الخارج فلم تستطع أن تميز فيه صفة دم استحاضة بل ربما يكون حيضاً، عندها تعتبره - ابتداءً - أنه حيض ولو توقف بعد إتمام أيام العادة فهو حيض وقد أصابت بمعرفته ولا شيء عليها، ولكن إن استمر - كما هو الحال في مثالنا - فتعتبره عندها ليس حيضاً وفقط تعتبر الأيام الثلاثة الأولى بعد انتهاء مدة النفاس أيام استظهار حالها حال أيام الحيض لا يجب قضاء الصلاة التي تركتها فيها.

ده روز اول نفاس است و در روز یازدهم به خصوصیات خون دقت می­کند، اگر نتوانست تشخیص دهد که خون استحاضه است یا حیض، ابتدا آن را حیض قرار می­دهد. اگر بعد از تعداد روزهای عادتش (پنج روز) خون متوقف شد، حیض بوده است و درست فهمیده و چیزی بر عهده‌اش نیست؛ ولی اگر ادامه یافت ـ‌که در این مثال ما به همین صورت است‌ـ فهمیده می­شود که حیض نبوده و باید اعمالش را قضا کند به جز سه روز اول بعد از انتهای روزهای نفاس (روزهای یازده و دوازده و سیزده) که ایام وارسی وضعیتش بوده که حکمشان همان حکم ایام حیض می­باشد و نمازی که در این سه روز ترک کرده است قضایی ندارد.

\* \* \*

**أحكام الأموات:**

**پرسش‌های مربوط به اموات**

س٩٦/ أولى الناس بالميت أولاهم بميراثه .. هل يكون كطبقات الإرث فمع وجود الابن والأب يقدم على الأخ أو العم ؟ وماذا لو ترك الميت بنت وأخ فمن يقدم ؟

پرسش ۹۶:

سزاوارترین افراد نسبت به میّت نزدیک‌ترین آنها به میراثش هستند.... آیا این حکم همانند طبقات ارث است و پسر و پدر، بر برادر یا عمو پیشی می‌گیرند؟ اگر مرده، دختر و برادر داشته باشد کدام یک مقدّم است؟

ج/ الأولى بالميراث أولى بالميت والبنت أولى من الأخ.

پاسخ:

سزاوارتر به میراث، سزاوارتر به میّت است؛ و دختر مقدّم بر برادر است.

س٩٧/ إذا ترك الميت أولاداً فهل لجدهم غير المؤمن بالحق ولاية عليهم في تزويج وغيره؟

پرسش ۹۷:

اگر میّت چند فرزند باقی بگذارد آیا پدربزرگِ آنها که مؤمن به حق نیست ولایتی بر ازدواج آنها و سایر اموراتشان دارد؟

ج/ الجواب تجده في كتاب الزواج.

پاسخ:

پاسخ در کتاب ازدواج موجود است.

س٩٨/ ورد في تغسيل الميت أنه يغسل رأسه ثم الجانب الأيمن ثم الأيسر، هل هذا الترتيب بين الجانبين أمر واجب، أم الترتيب الواجب فقط بين الرأس والبدن ؟

پرسش ۹۸:

در چگونگی غسل دادن میّت آمده است که ابتدا سرش را می‌شوید سپس سمت راستش و سپس سمت چپش. آیا رعایت این ترتیب بین دو سمت (راست و چپ) واجب است؟ یا ترتیب، تنها بین سر و بدن باید رعایت شود؟

ج/ الواجب فقط الترتيب بين الرأس والبدن.

پاسخ:

واجب، فقط رعایت ترتیب بین سر و بدن است.

س٩٩/ من يمس الميت بعد برده وقبل التغسيل، ماذا لو لاقى ببدنه شيئاً مع الرطوبة فهل ينجسه ؟

پرسش ۹۹:

کسی که مرده‌ای را پس از سرد شدن و پیش از غسل دادنش لمس می‌کند، آیا اگر چیزی با وجود رطوبت با بدنش تماس پیدا کند نجس می‌شود؟

ج/ نعم ينجسه.

پاسخ:

بله، نجس می‌شود.

س١٠٠/ هل مس الشهيد يوجب غسل الميت ؟

پرسش ۱۰۰:

آیا لمس کردن شهید، غسلِ مسّ میّت را واجب می‌کند؟

ج/ لا يجب غسل مس الميت على من مس شهيداً.

پاسخ:

غسل مس میّت برای کسی که شهیدی را لمس کند واجب نمی‌شود.

س١٠١/ من لامس الذي يغسل الميت قبل غسله هل يتنجس ؟

پرسش ۱۰۱:

شخصی میّتی را غسل می‌دهد اگر پیش از غسل کردن آن شخص کس دیگری او را لمس کند، آیا نجس می‌شود؟

ج/ لا يتنجس.

پاسخ:

نجس نمی‌شود.

س١٠٢/ يكفن الميت بمئزر وقميص وإزار، فما هي حدود كل منها من جهة الستر لبدن الميت ؟

پرسش ۱۰۲:

کفن میّت عبارت است از مِئزَر،([[7]](#footnote-7)) قمیص([[8]](#footnote-8)) و إزار.([[9]](#footnote-9)) حدود هر کدام از این اجزا از نظر پوشاندن بدنِ شخصِ مرده چیست؟

ج/ لا يشترط فيها طول أو سمك وإنما أن تكون بمجموعها ساترة لبدن الميت والأفضل أن يكون كل واحد منها طويلاً وسميكاً.

پاسخ:

بلندی یا پهنای خاصی در آنها شرط نیست و فقط مجموعۀ آنها باید بدن مرده را بپوشاند و بهتر است هر کدام از آنها بلند و عریض باشد.

س١٠٣/ ما هو حكم تشريح جثة الميت الذي يجري في الكثير من المستشفيات في الدول اليوم ؟

پرسش ۱۰۳:

حکم تشریح جسد میّت چیست؟ به صورتی که امروزه در بسیاری از بیمارستان‌ها در کشورهای مختلف انجام می‌شود.

ج/ لا يجوز تشريح جثة الميت المؤمن إلا إن كان هناك شك في جريمة أو مرض يهدد عامة المؤمنين.

پاسخ:

تشریح جسد میّت جایز نیست مگر در صورتی که شک و تردید در وقوع جُرم یا مرضی وجود داشته باشد که عموم مؤمنان را تهدید می‌کند.

س١٠٤/ وماذا إذا كان التشريح لغرض كالدراسة أو تشخيص سبب الموت وما شابه؟

پرسش ۱۰۴:

حکم تشریح جسد میّت با هدف یادگیری یا تشخیص علت مرگ یا چیزهای شبیه به آن چیست؟

ج/ تشريح جثة المؤمن لغرض الدراسة فقط دون إذن مسبق منه لا يجوز.

پاسخ:

تشریح جسد میّت برای یادگیری بدون اجازۀ پیشین از او جایز نیست.

س١٠٥/ وهل يجوز التبرع بعضو من أعضاء الميت من قبل وليه لحي ينتفع به، أو بيعه له؟

پرسش ۱۰۵:

آیا ولیّ میّت می‌تواند عضوی از اعضای بدن مرده را به شخص زنده‌ای اهدا کند تا از آن سودی ببرد؟ و یا آن را بفروشد؟

ج/ البيع غير جائز، ويجوز التبرع إن كان الولي المؤمن هو أب أو أم أو ابن أو بنت.

پاسخ:

فروش اعضای بدن مجاز نیست، ولی اهدا کردن، جایز است اگر آن ولیّ مؤمن پدر، مادر، پسر یا دختر باشد.

س١٠٦/ وهل يجوز التبرع بعضو من حي لحي أو بيعه له ؟

پرسش ۱۰۶:

آیا اهدای عضوی از بدن انسان زنده به انسان زندۀ دیگر یا فروش آن جایز است؟

ج/ البيع غير جائز، والتبرع جائز.

پاسخ:

فروختن جایز نیست، ولی اهدا جایز است.

س١٠٧/ ما هو حكم تشييع المرأة للجنازة ؟

پرسش ۱۰۷:

حکم تشییع جنازه توسط زن چیست؟

ج/ مكروه إلا أن كان نبياً أو وصياً أو مؤمناً قد زكاه نبي أو وصي فأنه يستحب وكذا يستحب أن تخرج في تشييع جنازة خرج في تشييعها نبي أو وصي.

پاسخ:

مکروه است مگر اینکه جنازۀ پیامبر یا وصی یا مؤمنی باشد که پیامبر یا وصی، او را تزکیه (پاک و طاهر) کرده باشد که در این صورت مستحب است. همچنین مستحب است که (زن) در تشییع جنازه‌ای که پیامبر یا وصی آن را تشییع می‌کند، شرکت کند.

س١٠٨/ ما هو حكم الدفن الحالي في القبور التي تكون على شكل طبقات ويدفن فيها أكثر من ميت ؟ وما حكم ارتفاع بناء القبور لنصف متر أو أكثر ؟

پرسش ۱۰۸:

حکم تدفینی که امروزه در قبرها به شکل طبقاتی انجام و در آنها بیش از یک مرده دفن می‌شود چیست؟ و حکم مقدار ارتفاع بنای قبر چقدر است؟ نیم متر یا بیشتر؟

ج/ الدفن في قبر واحد بطبقات جائز ولكنه مكروه، وارتفاع بناء القبور مكروه.

پاسخ:

دفن کردن به صورت طبقاتی در یک قبر جایز ولی مکروه است. مُرتفع ساختن بنای قبر مکروه است.

س١٠٩/ ما هو حكم لباس السواد على الميت ؟

پرسش ۱۰۹:

پوشیدن لباس سیاه در عزای مرده چه حکمی دارد؟

ج/ لا إشكال فيه.

پاسخ:

اشکالی ندارد.

س١١٠/ من المستحبات كتابة دعاء الجوشن على الكفن فهل الأفضل أن يكتب بالقلم العادي أم بالزعفران ؟ وما هو تأثير الدعاء على الميت ؟

پرسش ۱۱۰:

از جمله‌ مستحبات، نوشتن دعای جوشن کبیر روی کفن است. آیا بهتر است با قلم و مرکّب عادی نوشته شود یا با زعفران؟ و تأثیر این دعا بر مرده چیست؟

ج/ الأفضل كتابته بالزعفران ويكره كتابته بالسواد وينتفع به الميت كما ينتفع بالصدقة والصلاة والدعاء له.

پاسخ:

بهتر است با زعفران نوشته شود و مکروه است با مرکّب سیاه نوشته شود. مرده همان‌طور که از صدقه، نماز و دعا بهره‌مند می‌شود از این دعا نیز بهره‌مند می‌گردد.

س١١١/ هل يجوز النوح واللطم على الميت، وماذا لو احمر الوجه أو ما شابه كخمشه؟

پرسش ۱۱۱:

آیا گریه و شیون با صدای بلند و زدن بر سر و صورت در عزای مرده جایز است؟ اگر بر اثر این کار صورت سرخ شود یا چیزی شبیه آن ـ‌مثل خراشیدن‌ـ حکمش چیست؟

ج/ يجوز النوح واللطم، ولا إشكال في احمرار الصدر أو الوجه ما لم يكن فيه ضرر معتد به، وهناك أفعال محرمة بالخصوص هي خدش المرأة وجهها ونتفها شعرها وجزها شعرها وأيضا شق الرجل ثوبه في موت ابنه أو زوجته وفي هذه الأفعال كفارات فصلتها في الشرائع.

پاسخ:

گریه و شیون با صدای بلند و بر سر و صورت زدن جایز است و اگر سر یا سینه‌اش سرخ شود اشکالی ندارد تا زمانی که آسیبی به دنبال نداشته باشد. برخی کارها حرام هستند مثل اینکه زنی صورتش را بخراشد، موهایش را بکند و مو پریشان کند و همچنین اینکه مردی در عزای مرگ فرزند یا همسرش جامه بدرد. این کارها کفاره‌هایی دارند که در کتاب شرایع بیان شده است.

س١١٢/ هل يجوز أن يؤتى بصلاة الوحشة بعد ليلة أو ليلتين من وفاة الشخص لسبب عدم علمه بموته أو دفنه ؟

پرسش ۱۱۲:

اگر نداند که شخصی مرده یا دفن شده است آیا می‌تواند نماز وحشت را بعد از یک یا دو شب از وفات آن شخص به جا آورد؟

ج/ يجوز وينتفع بها إن شاء الله ولكنها لا تعوض الصدقة أو الصلاة في الليلة الأولى.

پاسخ:

جایز است و ان شاء الله (مرده) از آن بهره می‌برد اما جای صدقه یا نماز شب اول را نمی‌گیرد.

\* \* \*

**الطهارة الترابية:**

**طهارت با خاک (تیمّم)**

س١١٣/ هل يجب طلب الماء حتى مع الظن بعدم وجود الماء ؟

پرسش ١١٣:

آیا با داشتن ظن و گمان نسبت به نبودن آب، جست و جوی آب واجب است؟

ج/ إذا كان غير متيقن من عدم الماء فيجب عليه الطلب.

پاسخ:

اگر از نبودن آب اطمینان نداشته باشد باید به جست و جوی آب بپردازد.

س١١٤/ من يفقد ثمن الماء أو كان الثمن يضر بحاله يكون حكمه كحكم فاقد الماء، هل يعني أنهما أيضاً يجب عليهما البحث والطلب بالمقدار المحدد في الأرض السهلة والحزنة، أو أن المقصود أن وظيفتهما التيمم ؟

پرسش ۱۱۴:

کسی که پول آب ندارد یا پرداخت پول آب آنچنان به او زیان می‌رساند که همانند نبودن آب باشد، آیا این دو وضعیت هم به معنی آن است که او باید به همان مقدار مشخص برای زمین مسطح و ناهمواره به جست و جوی آب بپردازد؟ یا این شرایط تیمّم را به دنبال خواهد داشت؟

ج/ وظيفتهما التيمم.

پاسخ:

با وجود این شرایط تیمّم می‌کند.

س١١٥/ هل يشترط أن ينوي في التيمم انه بدلاً عن وضوء أو غسل ؟

پرسش ۱۱۵:

آیا در تیمّم شرط است که نیت کند تیمّمِ بدل از وضو یا تیمّمِ بدل از غسل انجام می‌دهد؟

ج/ نعم يشترط.

پاسخ:

بله، شرط است.

س١١٦/ هل في مسح اليدين عند التيمم كيفية خاصة ؟

پرسش ۱۱۶:

آیا در مسح دست‌ها در تیمّم، کیفیت خاصی مطرح است؟

ج/ يمكنه مسحهما بأي صورة.

پاسخ:

می‌تواند به هر شکلی مسح کند.

س١١٧/ هل يجوز التيمم على الكاشي الذي لا غبار فيه ؟

پرسش ۱۱۷:

آیا تیمّم بر کاشی و سرامیکی که غباری ندارد جایز است؟

ج/ يجوز إن اضطر إليه.

پاسخ:

در صورت اضطرار جایز است.

س١١٨/ هل يمكنه التيمم بالصخر أم يدقه ويصيره تراباً ثم يتمم به ؟

پرسش ۱۱۸:

آیا می‌تواند روی سنگ یا صخره تیمّم کند؟ یا باید آن را بکوبد و تبدیل به خاک کند و سپس تیمّم نماید؟

ج/ يمكن التيمم بالصخر.

پاسخ:

می‌تواند روی سنگ یا صخره تیمّم کند.

س١١٩/ هل يجوز التيمم بتراب عليه قطرات ماء منتشرة، أم لابد أن يكون يابساً ؟

پرسش ۱۱۹:

آیا تیمّم با خاکی که قطراتی آب در آن منتشر شده جایز است؟ یا نه، باید خشک باشد؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س١٢٠/ هل يجب على المتيمم نزع الخاتم أو التأكد من عدم الحائل عند التيمم ؟

پرسش ۱۲۰:

آیا در تیمّم باید انگشتر را بیرون بیاورد؟ آیا باید دقت کند که در تیمّم هیچ حایل و مانعی وجود نداشته باشد؟

ج/ لا يجب نزع الخاتم ولا يجب التأكد من عدم الحائل الصغير عند التيمم.

پاسخ:

در تیمّم واجب نیست انگشتر را بیرون بیاورد. همچنین در تیمّم دقت داشتن بر اینکه حایل و مانع کوچکی وجود نداشته باشد واجب نیست.

س١٢١/ هل يجزي التيمم عن الاغسال المستحبة مع وجود الماء وعدم الضرر من استعماله ؟

پرسش ۱۲۱:

آیا با وجود آب و اینکه استفاده از آن آسیب نمی‌رساند، تیمّم می‌تواند به جای غسل مستحب انجام شود؟

ج/ لا يجزي.

پاسخ:

نمی‌تواند.

س١٢٢/ هل يشترط طهارة أعضاء التيمم أي الجبهة والكفان قبل التيمم ؟

پرسش ۱۲۲:

آیا طهارت عضوهای تیمّم ـ‌یعنی پیشانی و دو کف دست‌ـ قبل از تیمّم شرط است؟

ج/ لابد من طهارة أعضاء التيمم.

پاسخ:

پاک بودن عضوهای تیمّم ضروری است.

س١٢٣/ إذا كان على المكلف غسل واجب ولم يتمكن من الاغتسال لمرض أو ما شابه من الأعذار، فهل يتيمم أول مرة ثم يتوضأ لبقية الصلوات، أم يتيمم عن كل صلاة ؟

پرسش ۱۲۳:

اگر بر مکلف غسلی واجب باشد و به دلیل بیماری یا عذری دیگر امکان غسل کردن نداشته باشد آیا باید برای اولین مرتبه تیمّم کند و برای سایر نمازها وضو بگیرد؟ یا برای هر نماز تیمّم کند؟

ج/ يتيمم بدلاً عن الغسل وما دام العذر باقياً يكفيه هذا التيمم بدلاً عن الغسل، وأما إن أحدث حدثاً أصغر بعد التيمم فيتوضأ إن أمكنه الوضوء أو يتيمم بدلاً عن الوضوء إن تعذر عليه الوضوء.

پاسخ:

به جای غسل تیمّم می‌کند و تا هنگامی که عذر او باقی است این تیمّمِ بدل از غسل کافی خواهد بود، اما اگر بعد از تیمّم حدث اصغر (خروج باد، ادرار یا مدفوع) از او صادر شد اگر می‌تواند وضو بگیرد، وضو می‌گیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد به جای وضو تیمّم می‌کند.

س١٢٤/ وإذا تيمم لعذر لصلاة الظهرين، وأتت صلاة العشاءين وهو لم يحدث بعد، فهل يجدد تيممه، أم يمكنه الاكتفاء بالتيمم السابق ؟

پرسش ۱۲۴:

و اگر به سبب عذری برای نماز ظهر و عصر تیمّم کند و زمان نماز مغرب و عشا فرا برسد و نیز بعد از تیمّم حدثی از او صادر نشده باشد، آیا باید مجدداً تیمّم کند؟ یا می‌تواند به همان تیمّم پیشین اکتفا کند؟

ج/ يكفيه التيمم السابق ما دام العذر باقياً.

پاسخ:

تا هنگامی که عذرش باقی است به همان تیمّم پیشین اکتفا می‌کند.

س١٢٥/ شخص تيمم للصلاة بدل الغسل ظناً منه أن الوقت لا يكفي للغسل والصلاة، وبعد الفراغ ظهر أن هناك وقتاً، فهل يغتسل ويعيد الصلاة ؟

پرسش ۱۲۵:

شخصی با این گمان که وقت برای غسل و نماز کافی نیست به جای غسل تیمّم می‌کند و بعد از اینکه نماز تمام شد برایش روشن می‌شود که وقتِ کافی وجود داشته است. آیا باید غسل کند و نماز را دوباره بخواند؟

ج/ يغتسل ويعيد صلاته.

پاسخ:

غسل می‌کند ونماز را دوباره می‌خواند.

\* \* \*

**النجاسات وأحكامها:**

**نجاسات و احكام آن**

س١٢٦/ يحضر البول الاصطناعي في المختبرات العلمية ويحتوي من ناحية تركيبه الكيميائي العناصر التي يحتويها البول الطبيعي، فهل يعتبر نجساً أيضاً ؟

پرسش ۱۲۶:

ادرار مصنوعی در آزمایشگاه‌های علمی وجود دارد و از همان ترکیب عناصر شیمیایی که در ادرار طبیعی وجود دارد ترکیب یافته است. آیا نجس محسوب می‌شود؟

ج/ لا يعتبر نجساً.

پاسخ:

نجس محسوب نمی‌شود.

س١٢٧/ وكذلك يعمل على تفكيك بعض مكونات الأعيان النجسة كالدم وفصلها، فعند الفصل هل تعتبر الأجزاء طاهرة أم نجسة ؟

پرسش ۱۲۷:

و همچنین (در آزمایشگاه‌ها) فرآیند تفکیک و جداسازی برخی مواد تشکیل دهندۀ عین نجاست ـ‌مانند خون‌ـ را انجام می‌دهند. آیا این اجزای تفکیک شده پاک محسوب می‌شوند یا نجس؟

ج/ لا تعتبر نجسة.

پاسخ:

نجس شمرده نمی‌شوند.

س١٢٨/ لو انعكس ضوء الشمس بمرآة وما شابه على أرض متنجسة، فهل يكفي ذلك للحكم بطهارتها عند يبوستها، وكذا لو كانت الشمس من وراء النافذة فهل تطهر ؟

پرسش ۱۲۸:

اگر نور خورشید از طریق آینه یا شبیه آن بر زمین نجس بتابد، آیا این کار پس از خشک شدنش برای حکم به پاک بودنش کفایت می‌کند؟ و همچنین در صورتی که خورشید از پشت پنجره بتابد آیا پاک کننده است؟

ج/ ضوء الشمس لو انعكس بمرآة أو من خلال نافذة يعتبر مطهراً أيضاً.

پاسخ:

اگر نور خورشید از طریق آینه یا از پشت پنجره بتابد نیز پاک کننده محسوب می‌شود.

س١٢٩/ المرضع كثيرة الأطفال، وثوبها لا يأمن النجاسة من (بول وغائط) ما حكم صلاتها وحكم الطهارة ؟

پرسش ۱۲۹:

نماز و طهارت زنی که زیاد به بچه‌ها شیر می‌دهد و لباسش از نجاست (ادرار و مدفوع) در امان نیست چه حکمی دارد؟

ج/ يجب تطهير الثوب النجس للصلاة فيه، وإذا كانت لا تعلم أن ثوبها تنجس أم لا فتبني على أنه طاهر. وبول الرضيع (الذكر) يكفي صب الماء على الثوب ليطهر منه، وإذا لم يكن لها غير ثوب واحد فتصلي به في النهار وتطهره من بول الرضيع في الليل.

پاسخ:

پاکیزه کردن (تطهیر) لباس نجس برای نماز خواندن با آن لباس واجب است، و اگر نداند لباسش نجس شده است یا نه، بنا را بر این می‌گذارد که لباسش پاک است. برای پاک کردن ادرار بچۀ شیرخوار (پسر) ریختن آب بر روی لباس کفایت می‌کند، و اگر جز همین یک لباس، لباس دیگری نداشته باشد در روز با آن نماز می‌خواند و در شب آن را از ادرار بچۀ شیرخوار پاک می‌نماید.

س١٣٠/ إذا سكب الشخص الماء الجاري عند تطهير مجرى البول بدون انقطاع فهل هذا كافياً للطهارة، أم لا بد من قطع الماء ثم سكبه ؟

پرسش ۱۳۰:

شخصی برای تطهیر مجرای بول (ادرار) آب جاری را بی‌وقفه می‌ریزد. آیا همین کار برای طهارت کافی است؟ یا باید آن را قطع کند و سپس (دوباره) بریزد؟

ج/ يكفي أن يستمر سكب الماء بعد زوال عين النجاسة ولا داعي للقطع سواء كان الماء جارياً أم قليلاً يسكب من إناء.

پاسخ:

ریختن آب به صورت مستمر ـ‌بعد از برطرف شدن عین نجاست‌ـ کفایت می‌کند و دلیلی برای قطع کردن آب وجود ندارد، می‌خواهد آب جاری باشد و یا آب قلیلی باشد که از ظرف می‌ریزد.

س١٣١/ إذا ما أريد غسل ثوب أو فرش أو ما شابه من بول أو غيره فما هو الحكم فيما إذا غسل بالماء الجاري أو القليل من حيث تعدد الغسلات وعدمه ؟

پرسش ۱۳۱:

اگر بخواهم لباس، فرش یا شبیه آن را از ادرار یا موردی دیگر بشویم حکم شستن آن با آب جاری یا قلیل از نظر تعداد دفعات شستن چیست؟

ج/ في الماء القليل لابد من غسلتين؛ الأولى: تزال فيها عين النجاسة والثانية: غسلة التطهير، وفي الماء الجاري يمكن الاكتفاء بصب الماء على عين النجاسة حتى تذهب أوصافها ويغلب عليها الماء عندها يكون الموضع طاهراً.

پاسخ:

با آب قلیل باید دو بار شسته شود: اول: از بین بردن عین نجاست و دوم: شستن به جهت تطهیر (پاکیزه کردن). با آب جاری می‌توان به ریختن آب بر روی عین نجاست بسنده نمود تا هنگامی که ویژگی‌های آن از بین برود و آب بر آن غلبه کند، در این صورت آن موضع پاک شمرده می‌شود.

س١٣٢/ غسلة إزالة العين النجسة هل تحسب من ضمن الغسلات أم لا ؟

ج/ قد تبين الجواب في أعلاه.

س١٣٣/ ما يصيب بدن الإنسان أو ثوبه أو ما هو بقربه أثناء غسل ذلك الشيء ما هو حكمه ؟

ج/ لا ينجسه إلا إن كان ما أصابه هو عين النجاسة أو ماء تغير بأوصاف عين النجاسة. والماء المتنجس نجس ولكنه لا ينجس غيره بملاقاته إلا إن كانت أوصافه قد تغيرت بأوصاف عين النجاسة أو تميزت فيه عين النجاسة.

س١٣٤/ الغسالة إن لم تتميز فيها عين النجاسة أو أحد صفاتها الثلاثة هل يمكن التطهر بها ؟

ج/ لا يمكن التطهر بها.

س١٣٥/ متى يجب العصر أو الدلك، وكم مرة يكون ذلك ؟ وهل تعتبر اليدان أثناء العصر متنجستان ؟

ج/ يجب العصر عندما يكون هو الوسيلة لرفع وإزالة عين النجاسة ولا عدد له بل ربما تكفي مرة أو أكثر وتعتبر اليد متنجسة ولكن إن بقي يستعمل نفس اليد في إتمام غسلة التطهير فتطهر يده مع المغسول.

پرسش ۱۳۲:

شستن برای از بین بردن عین نجاست آیا جزو شستن‌ها محسوب می‌شود یا خیر؟

پاسخ:

پاسخ در جواب پیشین گفته شد.

پرسش ۱۳۳:

هنگام شستنِ آن شیء، آنچه به بدن انسان یا لباسش یا چیزی که هنگام شستن در نزدیکی‌اش است برخورد می‌کند حکمش چیست؟

پاسخ:

آن را نجس نمی‌کند مگر اینکه آنچه به آن برخورد می‌کند عین نجاست یا آبی که ویژگی‌هایش به ویژگی‌های عین نجاست تغییر کرده است باشد. آبِ متنجّس (نجس شده) نجس است ولی در صورت تماس با چیز دیگر آن را نجس نمی‌کند مگر اینکه خصوصیاتش به خصوصیات عین نجاست تغییر پیدا کرده یا عین نجاست در آن مشخص باشد.

پرسش ۱۳۴:

اگر در آب غساله عین نجاست مشخص نباشد یا یکی از خصوصیات سه‌گانه‌اش را نداشته باشد، آیا با این آب می‌توان تطهیر کرد؟

پاسخ:

نمی‌توان با آن تطهیر نمود.

پرسش ۱۳۵:

چه هنگامی فشردن یا چِلاندن واجب است و چند مرتبه؟ و آیا دست‌ها در هنگام شستن نجس می‌شوند؟

پاسخ:

هنگامی که فشردن، ابزاری برای زدودن و از بین بردن عین نجاست باشد واجب است و تعداد مشخصی برایش مطرح نیست؛ چه بسا یک مرتبه کافی باشد و یا دفعات بیشتر. دست نجس می‌شود ولی اگر خودِ دست تا پایان تطهیر به کار گرفته شود، دستش نیز با آنچه شسته می‌شود پاک خواهد شد.

س١٣٦/ عند تطهير المشروط بالعصر هل يكفي عصره وهو داخل الماء أو يجب إخراجه منه ثم عصره ؟

پرسش ۱۳۶:

اگر در تطهیر، فشردن شرط باشد آیا فشردن شی‌ء (نجس شده) در حالی که درون آب است کفایت می‌کند؟ یا باید از آب خارج و بعد فشرده شود؟

ج/ يكفي عصره وهو في الماء.

پاسخ:

فشردن آن در حالی که درون آب است کفایت می‌کند.

س١٣٧/ كيفية تطهير الفرش أو الكاربت، وماذا إذا كان ملتصقاً بأرض البيت ؟

پرسش ۱۳۷:

تطهیر فرش یا زیرانداز در صورتی که به کف زمین خانه چسبیده باشد چگونه انجام می‌شود؟

ج/ بالماء القليل كما بينت سابقا لابد من غسلتين غسلة إزالة عين النجاسة وغسلة التطهير فلو فرضنا أن على الفرش الثابت بول يراد تطهيره بماء قليل فالطريقة تكون أولاً: يصب ماء على موضع البول حتى يستوعب الماء الموضع ثم يرفع الماء مع النجاسة بقطعة قماش أو إسفنج. ثانياً: يصب ماء على الموضع مرة أخرى ويرفع كذلك بقطعة قماش أو اسفنجة وهذه هي غسلة التطهير ويكون الموضع بعدها طاهراً.

پاسخ:

با آب قلیل ـ‌همان­گونه که پیش‌تر بیان کردم‌ـ باید دو بار شسته شود: شستن برای از بین بردن عین نجاست و شستن برای تطهیر. اگر فرض کنیم بر روی فرشِ ثابت شده (روی زمین) ادرار باشد و بخواهیم با آب قلیل تطهیرش کنیم، به این روش عمل می‌کنیم: بار اول بر روی مکان ادرار آب می­ریزیم تا آب بر آن غلبه کند، سپس با یک قطعه پارچه یا اسفنج آب را برمی­داریم. بار دوم آب را بر موضع نجس می‌ریزیم و بار دیگر آب را با قطعه­ای اسفنج یا پارچه جمع می­نماییم، این کار، همان شستن تطهیر است و بعد از این آن مکان پاک می‌باشد.

أما بالماء الجاري فيمكن الاكتفاء بسكب الماء الجاري على الموضع حتى يغلب الماء على أوصاف النجاسة.

اما با آب جاری: کافی است یک بار روی موضع نجس آب بریزیم به گونه­ای که آب بر خصوصیات نجاست غلبه نماید.

س١٣٨/ كيفية تطهير أرضية البيت عند تنجسها بالجاري أو القليل ؟ وإذا كان بالقليل فهل يشترط التعدد وتنشيف الماء في الغسلة الأولى ؟

پرسش ۱۳۸:

تطهیر کف خانه وقتی نجس شود با آب جاری یا قلیل چگونه انجام می‌شود؟ اگر با آب قلیل انجام شود آیا چند مرتبه آب ریختن و جمع کردن آن در شستن اول شرط است؟

ج/ تبين الجواب في أعلاه.

پاسخ:

پاسخ در پرسش قبلی گفته شد.

س١٣٩/ كيفية تطهير الأشياء الثابتة كالأبواب وما شابه في البيت بالجاري أو القليل أيضاً ؟

پرسش ۱۳۹:

تطهیر اشیاء ثابت ـ‌مثل درها و شبیه آن‌ـ در خانه با آب جاری یا قلیل چگونه انجام می‌شود؟

ج/ إن غلب الماء الجاري على النجاسة وأوصافها يطهر الموضع. فبالنسبة لتطهير موضع في باب أو شباك أو شبهها بالماء الجاري يمكن بصب الماء الجاري على الموضع المتنجس في الباب مثلاً ودلكه حتى يطهر، والماء المتساقط طاهر إن كان الماء الجاري قد غلب على النجاسة وأوصافها فيه، أما تطهير موضع في باب أو شباك قد تنجس بنجاسة بالماء القليل فيتم بأن تأخذ اسفنجة وتغسمها بالماء الطاهر حتى تمتلئ بالماء ثم تمسح بها الموضع النجس لرفع عين النجاسة ثم تغسل الاسفنجة وتغمسها بالماء الطاهر مرة أخرى وتمسح بها الموضع مرة أخرى فتكون هذه المسحة الأخيرة هي غسلة التطهير ويطهر بعدها الموضع.

پاسخ:

اگر آب جاری بر نجاست و خصوصیات آن غالب شود، آن موضع پاک می‌شود. برای پاک کردن در یا پنجره یا شبیه آن با آب جاری می‌توان آب جاری را بر آن ـ‌به عنوان مثال مکان نجس شده روی در‌ـ ریخت و آن را سایید تا پاک شود، و اگر آب بر نجاست و اوصاف آن غلبه پیدا کند آبی که فرو می‌ریزد پاک است. اما در مورد پاک کردن موضعی روی در یا پنجره که نجس شده است با آب قلیل، ابتدا اسفنجی را در آب پاک فرو می­بریم تا پر از آب شود، سپس آن را روی موضع نجس می­کشیم تا عین نجاست رفع گردد. سپس بار دیگر اسفنج را با آب پاک شسته، آن را پر از آب می­کنیم و بار دیگر بر روی موضع می­کشیم که این مرتبه همان شستن تطهیر است و پس از انجام این کار، آن موضع پاک شده است.

س١٤٠/ كيفية تطهير تربة السجود إذا أصابتها نجاسة ؟

پرسش ۱۴۰:

پاک کردن تربت سجده (مُهر) وقتی نجاست به آن برسد چگونه است؟

ج/ تبين الجواب في أعلاه.

پاسخ:

پاسخ پیش‌تر گفته شد.

س١٤١/ ملابس متنجسة بالبول هل تطهر بحركة الغسالة وترك الماء مفتوح عليها بلا عصر ؟

پرسش ۱۴۱:

آیا لباس‌های نجس شده تنها با عملکرد ماشین لباس‌شویی و ریختن آب روی آن بدون فشار دادن پاک می‌شود؟

ج/ تكفي حركة ماكنة الغسل ولا حاجة لاستعمال اليد معها.

پاسخ:

عملکرد ماشین لباس‌شویی کفایت می‌کند و نیازی به فشردن با دست نیست.

س١٤٢/ ما حكم اللون المتخلّف في الملابس مثلاً بعد غسل الدم أو الغائط ؟

پرسش ۱۴۲:

حکم رنگی که بعد از شستن ـ‌به عنوان مثال خون یا مدفوع‌ـ در لباس باقی می‌ماند چیست؟

ج/ طاهر.

پاسخ:

پاک است.

س١٤٣/ إذا أصابت النجاسة شيئاً فتنجس ولاقاه شيء آخر فهل ينجس أيضاً، وماذا لو لاقى الثاني شيئاً ثالثاً وهكذا ؟

پرسش ۱۴۳:

زمانی که نجاست به چیزی برسد و نجس شود و آن چیز با چیز دیگری تماس پیدا کند، آیا شیء دوم هم نجس می‌شود؟ حکم تماس شیء دوم با سوم ـ‌و به همین ترتیب‌ـ چیست؟

ج/ المتنجس نجس ولكنه لا ينجس غيره بملاقاته إلا إن كانت أوصافه قد تغيرت بأوصاف عين النجاسة أو تميزت فيه أو عليه عين النجاسة أو احد أوصافها.

پاسخ:

مُتنجّس (شیئی که عین نجاست به آن برخورد کرده) نجس است ولی چیز دیگری با برخورد با آن نجس نمی‌شود مگر اینکه اوصاف آن شیء نجس شده (متنجس) توسط اوصاف عین نجاست تغییر کرده باشد یا نجاست در آن پیدا باشد و یا عین نجاست یا یکی از خصوصیات آن روی متنّجس موجود باشد.

س١٤٤/ إذا نجّس إنسان بعض ما يتعلق بإنسان آخر كثيابه وطعامه وما شابه فهل يجب عليه إخباره ؟

پرسش ۱۴۴:

اگر کسی برخی از چیزهایی که متعلق به شخصی دیگر است ـ‌مثل لباس، غذا یا چیزهای دیگر‌ـ را نجس کند آیا واجب است به اطلاع او برساند؟

ج/ يجب عليه إخباره.

پاسخ:

واجب است به اطلاع او برساند.

س١٤٥/ عادة ما ينشر الغسيل على الحبال المثبتة لغرض تنشيفه، فهل تعد (الحبال) من الأمور الثابتة التي تطهر بالشمس عند تنجسها أو لابد من تطهيرها بالماء ؟

پرسش ۱۴۵:

معمولا چیزهای شسته شده روی طناب پهن می‌شوند تا خشک شوند. آیا طناب جزو اشیاء ثابت منزل محسوب می‌شود که هنگام نجس شدن با (تابیدن) خورشید پاک می‌شود؟ یا حتما باید با آب پاک شود؟

ج/ لا تعد الحبال من الأمور الثابتة.

پاسخ:

طناب جزو اشیاء ثابت به حساب نمی‌آید.

س١٤٦/ الحشرات التي تخرج من الأماكن النجسة وتمشي على الفرش هل تنجس ما تمشي عليه ؟

پرسش ۱۴۶:

حشراتی که از جاهای نجس بیرون می‌آیند و روی فرش‌ها راه می‌روند، آیا آنچه بر رویش راه می‌روند نجس می‌شود؟

ج/ لا تنجسه إلا إذا نقلت له النجاسة بصورة ظاهرة مرئية.

پاسخ:

آن چیزها نجس نمی‌شوند مگر اینکه (حشرات) نجاست را به صورتی آشکار و قابل دیدن به آن منتقل کنند.

س١٤٧/ إذا قطع من الإنسان الحي قطعة لحم من أطراف الأظافر أو من غيرها فما هو حكمها من حيث النجاسة ؟

پرسش ۱۴۷:

حکم قطعه‌ای گوشت که از اطراف ناخن‌های یا جاهای دیگر انسانی زنده جدا شود ـ‌از نظر نجس بودن‌ـ چیست؟

ج/ ما ينفصل من الحي من القشور وقطع الجلد الصغيرة التي تنفصل نتيجة الجروح والقروح والحروق و الكدمات و الالتهابات أو من أطراف الأصابع أو الشفة طاهرة.

پاسخ:

آنچه از سطح خارجی و قطعات کوچک پوست در اثر زخم‌ها، دُمل‌ها، سوختگی‌ها، کوفتگی‌ها و التهابات یا از اطراف انگشتان یا لب‌ها جدا می‌شود پاک است.

س١٤٨/ لو وجد بعض مخلفات حيوانات لها نفس سائلة كذرق الفارة أو ما شابه مع الرز أو غيره مما هو مطبوخ، كيف يتم تطهيره ؟

پرسش ۱۴۸:

اگر بقایای حیواناتی که خون جهنده دارند ـ‌مثل فضلۀ موش یا شبیه آن‌ـ در برنج یا دیگر پختنی‌ها پیدا شود، چطور می‌توان آن را پاک کرد؟

ج/ لابد أولا من رفع عين النجاسة إن أمكن ثم تغسل الرز غسلة لرفع المتبقي من عين النجاسة ثم تغسله غسلة ثانية لتطهيره.

پاسخ:

اول باید ـ‌اگر امکان‌پذیر باشد‌ـ عین نجاست برطرف شود، سپس برنج یک بار شسته می‌شود تا باقی‌ماندۀ عین نجاست برطرف شود، سپس برای مرتبۀ دوم باید شسته شود تا پاک گردد.

س١٤٩/ وماذا لو كان قد رئي في الرز أو ما شابه قبل الطبخ، فهل يجب تطهيره ؟

پرسش ۱۴۹:

و اگر قبل از پخت (نجاستی) در برنج یا مانندِ آن دیده شود چطور؟ آیا واجب است پاک شود؟

ج/ لابد من تطهير المأكول من النجاسة إن وقعت فيه.

پاسخ:

اگر نجاستی در خوردنی بیفتد حتما باید آن خوردنی از نجاست پاک گردد.

س١٥٠/ ما هو حكم الدم داخل الفم والإذن والأنف ؟

پرسش ۱۵۰:

حکم خون داخل دهان، گوش و بینی چیست؟

ج/ الدم الذي يخرج من الأوعية الدموية نتيجة جرح أو نزف نجس وان كان في الفم أو الإذن أو الأنف، ولا يجوز ابتلاع الدم الذي ينزف في الفم ويمكن تطهير الفم بغسله بالماء أو بدون ماء ببصق الدم الذي فيه فإن استهلك ما تبقى من اثر الدم في السوائل التي في الفم حكم بطهارة الفم وكذا الأنف.

پاسخ:

خونی که از رگ‌های خونی در اثر جراحت یا خون‌ریزی خارج می‌شود نجس است ـ‌حتی اگر در دهان، گوش یا بینی باشد‌ـ و بلعیدن خونی که در دهان جاری می‌شود جایز نیست و می‌توان دهان را با شستن با آب یا بدون آب (با بیرون انداختن خونی که در دهان است) تطهیر نمود؛ اگر اثرهای خون باقی مانده در آب دهان حل شده و از بین رفته باشد، حکم به طهارت آن می‌شود. در مورد بینی نیز حکم به همین صورت است.

س١٥١/ الدم الذي يجمد على الجرح سواء صار اسوداً أو صار لونه مقارباً للون الجلد هل يكون طاهراً.

پرسش ۱۵۱:

خونی که روی زخم‌ها لخته و خشک می‌شود چه رنگش سیاه شود یا تقریبا همرنگِ پوست شود آیا پاک است؟

ج/ الدم إذا جمد وصار لونه اسوداً يبقى نجساً، ولكن إن استحال وتغير لونه إلى لون مقارب للجلد فيحكم بطهارته.

پاسخ:

خون اگر خشک و رنگش سیاه شود نجس باقی می‌ماند، اما اگر استحاله شود و رنگش تقریبا به پوست رنگ تغییر یابد حکم به طهارتش می‌شود.

س١٥٢/ ما حكم دم المتبرع الكافر أو الناصبي إلى المسلم ؟

پرسش ۱۵۲:

حکم خونی که کافر یا ناصبی به مسلمان اهدا می‌کند چیست؟

ج/ لا إشكال فيه.

پاسخ:

اشکالی ندارد.

س١٥٣/ ما هو حكم البيضة التي تحوي قطرات دم ؟

پرسش ۱۵۳:

حکم تخم‌مرغی که در آن قطره‌های خون باشد چیست؟

ج/ الدم في بيضة من له نفس سائلة نجس.

پاسخ:

خونِ داخلِ تخم حیوانی که خون جهنده دارد نجس است.

س١٥٤/ هل يجوز شرب الدم من الذبيحة المذكاة لغرض العلاج ؟

پرسش ۱۵۴:

آیا نوشیدن خون حیوانی که به صورت شرعی ذبح شده ـ‌با هدف معالجه‌ـ جایز است؟

ج/ لا يجوز.

پاسخ:

جایز نیست.

س١٥٥/ ما هو حكم ماء الشعير المتعارف شربه اليوم في بلدان إسلامية ؟

پرسش ۱۵۵:

حکم ماء الشعیر که امروزه نوشیدن آن در کشورهای اسلامی متعارف است چیست؟

ج/ إذا تم نقع الشعير ومن ثم استخلاص مائه قبل أن يتخمر يجوز شربه، وإن تم تخميره فلا يجوز شربه، ولا يحكم بحليته فقط لأنه صنع في البلاد الإسلامية.

پاسخ:

اگر جو خیسانده و سپس آب آن پیش از تخمیرش گرفته شود، نوشیدنش جایز است، ولی اگر تخمیر شود نوشیدن آن جایز نیست، و تنها به این دلیل که در کشورهای اسلامی تولید می‌شود حکم به حلال بودنش نمی‌شود.

س١٥٦/ ما حكم العصير العنبي عند الغلي ولم يذهب ثلثاه ؟ هل بخاره نجس ؟

پرسش ۱۵۶:

حکم عصارۀ انگوری که بجوشد ولی دو سومش نرفته باشد چیست؟ آیا بخارش نجس است؟

ج/ بخاره طاهر.

پاسخ:

بخارش پاک است.

س١٥٧/ المسكرات الجامدة كالحشيشة وما شابهها من "المخدرات" هل تعتبر نجسة ؟

پرسش ۱۵۷:

مُسکرات مواد مخدرِ جامد مثل حشیش و چیزهای دیگر آیا نجس به حساب می‌آیند؟

ج/ لا تعتبر نجسة وإن كانت محرمة.

پاسخ:

نجس محسوب نمی‌شوند اگرچه حرام هستند.

س١٥٨/ هل الترياق من المسكرات المحرمة والنجسة ؟

پرسش ۱۵۸:

آیا تریاک جزو مست کننده‌های حرام و نجس است؟

ج/ كل مسكر سواء كان سائلاً أو جامداً فهو حرام ولا يجوز تناوله اختياراً للسكر، ولكن يجوز استخدام المسكرات لغرض طبي أو صناعي وعندها لا تعتبر نجسة وإن كانت سائلة تبعاً لنية تصنيعها لهذه الفائدة.

پاسخ:

هر مُسکری (مست کننده‌ای) ـ‌مایع یا جامد‌ـ حرام است و مصرف آن در حالت اختیار به قصد مستی جایز نیست اما به کارگیری مسکرات برای اهداف پزشکی یا صنعتی جایز است و در این صورت پِیرو نیّت ساخت آن به منظور این نوع استفاده ـ‌حتی اگر مایع باشد‌ـ نجس محسوب نمی‌شود.

س١٥٩/ العطور التي فيها نسبة من الكحول ما حكمها ؟

پرسش ۱۵۹:

عطرهایی که در آن درصدی از الکل وجود دارد چه حکمی دارند؟

ج/ إذا كانت كحولاً صنعت للفائدة الصناعية وليس للسكر فتعتبر طاهرة ولا إشكال في استخدامها في العطور أو الدهان أو التعقيم.

پاسخ:

اگر الکل به قصد استفادۀ صنعتی ساخته شده باشد و نه برای مستی، پاک محسوب می‌شود و به کارگیری آن در عطرها یا روغن‌ها یا استریل کردن اشکالی ندارد.

س١٦٠/ وعند الشك في ذلك هل يجب الامتناع عنها ؟

پرسش ۱۶۰:

و اگر در این خصوص شک و تردید داشته باشیم آیا پرهیز از آن واجب است؟

ج/ عند الشك تعتبر طاهرة ولا يحكم بنجاستها.

پاسخ:

در صورت وجود شک و تردید پاک محسوب می‌شود و حکم به نجاستش نمی‌شود.

س١٦١/ ما حكم الاسبيرتو العراقي أو الأجنبي وذلك المستخدم بصبغ الأخشاب، وما حكم طهارته أو نجاسته ؟

پرسش ۱۶۱:

حکم اسپرتوی عراقی یا خارجی (نوعی الکل) چیست؟ از این ماده در رنگ‌آمیزی چوب استفاده می‌شود. حکم طهارت یا نجس بودن آن چیست؟

ج/ كل كحول طاهر إلا إذا كان معتاداً استخدامه من أهل المعصية للسكر.

پاسخ:

تمام الکل‌ها پاک هستند مگر آنکه به طور معمول توسط گناهکاران برای مست شدن استفاده شود.

س١٦٢/ بعض الأدوية التي فيها نسبة تخدير عالية فما هو حكمها ؟

پرسش ۱۶۲:

حکم برخی داروهایی که درصد بالایی مخدر دارند چیست؟

ج/ يجوز استخدامها وتناولها إذا وصفها الطبيب المختص ضمن الجرعة والمدة التي وصفها**.**

پاسخ:

به کارگیری و مصرف آن وقتی پزشک متخصص تجویز کند به اندازۀ دوز مصرفی و در بازۀ زمانی که پزشک تجویز کرده، جایز است.

س١٦٣/ من كان مريضاً وقد راجع الطبيب ووصف له وصفة علاجية بدواء فيه نسبة من الكحول، فهل يجوز له تناول مثل هذا الدواء ؟

پرسش ۱۶۳:

کسی که بیمار است و به پزشک مراجعه می‌کند و پزشک برای او نسخه‌ای نوشته که در آن دارو درصدی از الکل وجود دارد، آیا مصرف اینچنین دارویی جایز است؟

ج/ إذا لم يكن الدواء مسكر، ولم يكن الكحول الذي فيه قد صنع ليتناوله أهل الفسق للسكر، يجوز تناول هذا الدواء.

پاسخ:

اگر دارو از مست کننده‌ها نباشد و الکلی که در آن به کار رفته برای مست شدن اهل فسق و فجور ساخته نشده باشد، مصرف این دارو جایز است.

س١٦٤/ ما حكم ما صنع من جلود أجنبية كالجنط والساعات والأحذية وغيرها ولا يعلم بتذكية الحيوان ودبغ جلده ؟

پرسش ۱۶۴:

چیزهایی که از پوست حیوانات در کشورهای بیگانه ساخته می‌شود ـ‌مثل کیف، ساعت، کفش و دیگر چیزها‌ـ و ذبح شرعی یا دباغی شدن پوست حیوان مشخص نباشد، چه حکمی دارند؟

ج/ لا يحكم بذكاتها.

پاسخ:

حکم به ذبح شرعی بودن آن حیوان نمی‌شود.

س١٦٥/ الجلد المستورد من بلاد أجنبية (غير مسلمة) ويعمل منه ألبسة من جاكيت (قمصلة) أو غيرها كالأحذية والأحزمة، ما حكم لبسها في الصلاة، وغيرها ؟ حيث لا نعلم بتذكيتها، وطهارتها.

پرسش ۱۶۵:

در مورد پوست‌های وارداتی از کشورهای بیگانه (غیرمسلمان) که از آن لباس‌هایی مثل ژاکت (کاپشن) یا دیگر چیزها مثل کفش و کمربند ساخته می‌شود، حکم پوشیدن آنها در نماز و غیر نماز چیست؟ چرا که ما علم به ذبح شرعی شدن آن حیوان و پاکی‌اش نداریم.

ج/ لا يحكم بتذكيتها ولا طهارتها إلا إذا حصل العلم بتذكيتها تذكية شرعية.

پاسخ:

حکم به تذکیۀ آن حیوان و پاک بودن (پوست) حیوان نمی‌شود مگر اینکه علم به تذکیه (ذبح شرعی) بودنش حاصل شود.

س١٦٦/ توضع في بعض البيوت "قنفات" مغلفة بجلود لا يعلم أصلها، فما حكم الجلوس عليها والاستفادة منها أو ملامستها برطوبة ؟

پرسش ۱۶۶:

در برخی خانه‌ها، مبلمان با روکشی از پوست‌هایی وجود دارد که جنسش مشخص نیست. حکم نشستن روی آن و استفاده از آن یا لمس آن با رطوبت چیست؟

ج/ بالنسبة لجلود الميتة نجسة ولكن يجوز الاستفادة منها والجلوس عليها ولبسها ولا إشكال في ذلك، أما عند ملامستها برطوبة فيتنجس ملامسها.

پاسخ:

پوست حیوان مردار نجس است، اما استفاده از آن و نشستن روی آن و پوشیدنش جایز است و اشکالی ندارد، اما هنگام لمس کردن آن با رطوبت، موضع لمس شده متنجّس می‌شود.

س١٦٧/ استعمال فرشة أسنان مصنوعة من شعر حيوان نجس العين، ما هو الحكم ؟

پرسش ۱۶۷:

استفاده از مسواکِ ساخته شده از موی حیوان نجس‌العین (دارای نجاست و ناپاکی ذاتی مثل سگ و خوک) چه حکمی دارد؟

ج/ شعر نجس العين نجس. أما استعمال فرشة الأسنان المصنوعة منه فلا إشكال فيه ولكن لابد من تطهير الفم بعد استعمالها.

پاسخ:

موی نجس‌العین، نجس است. استفاده از مسواک ساخته شده از آن اشکالی ندارد اما حتماً باید بعد از استفاده از آن، دهان پاک و تطهیر شود.

س١٦٨/ استخدام الأسنان الاصطناعية وكذا الحشوات المستعملة لإصلاح الأسنان هل يجب التأكد من مادتها خصوصا وان اغلبها أجنبية ؟

پرسش ۱۶۸:

در مورد استفاده از دندان‌های مصنوعی و موادی که در پُر کردن و ترمیم دندان‌ها به کار می‌رود، با وجود اینکه بیشتر آنها از کشورهای بیگانه وارد می‌شوند، آیا واجب است از جنس آنها اطلاع بیابیم؟

ج/ يجب التأكد والاطمئنان أنها ليست نجسة ويجوز استعمالها ولكن بالنسبة للمستعمل الآن في معظم دول العالم لا إشكال فيه.

پاسخ:

به دست آوردن اطمینان از نجس نبودن و جایز بودن به کار گیری آنها واجب است. اما در مورد وسایلی که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان به کار برده می‌شود، اشکالی در استفاده از آنها وجود ندارد.

س١٦٩/ قد تدخل بعض شحوم الحيوانات الغير مأكولة اللحم أو المتنجسة في صناعة الصابون وبعض مواد التجميل والكريميات التي تستعمل لدهن بشرة الوجه والبدن والشعر، فهل يحكم بطهارتها وجواز استعمالها، أو لابد من التأكد منها قبل الاستعمال عند الشك فيها ؟

پرسش ۱۶۹:

گاهی چربی حیوانات حرام گوشت یا نجس در صنایع صابون‌سازی یا برخی مواد آرایشی و کِرِم‌های پوست و بدن و مو به کار گرفته می‌شود. آیا حکم به پاک بودن و جایز بودن استفاده از آنها می‌شود؟ یا در صورت وجود شک و تردید باید پیش از استفاده مطمئن شویم که پاک هستند؟

ج/ لا يحكم بطهارتها إلا إن كانت تركيبتها قد تبدلت.

پاسخ:

حکم به پاک بودنش نمی‌شود، مگر اینکه ترکیبش استحاله شده باشد.

\*‌ \* \*

\* \* \*

كان هذا آخر ما دونته من أجوبته عليه السلام، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

این آخرین مطلبی است که از پاسخ‌های امام گردآوری کرده‌ام.

والحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و المهدیین و سلم تسلیما کثیرا.

1. - غیبت نعمانی: ص 129. [↑](#footnote-ref-1)
2. - ۱۷ آبان ۱۳۸۹ هجری شمسی (مترجم). [↑](#footnote-ref-2)
3. - الحيوان الجلال: هو الحيوان الماكول اللحم من حيث الأصل ولكنه اعتاد أكل العذرة حتى نبت عليها لحمه، وحكمه أنه لا يحل أكله وبوله ورجيعه نجس. [↑](#footnote-ref-3)
4. - حیوان نجاست‌خوار: حیوانی است که از جهت ذاتی، گوشتش قابل خوردن است. ولی به خوردن نجاست عادت کرده است؛ تا جایی که گوشتش بر آن روییده است و حکمش این است که خوردنش حلال نیست و ادرار و مدفوعش نجس است. [↑](#footnote-ref-4)
5. - يقصد بها الأسئلة والأجوبة التالية:

   س١/ عند ضيق الوقت هل يسقط الأذان أم الإقامة ؟ أم هل يسقطان معاً ؟ ما حكمهما أرجو التفصيل.

   ج/ إذا ضاق الوقت ولم يبق إلا بمقدار ما يؤدي به الركعات فقط عندها يسقط الأذان والإقامة، وإذا كان الوقت يسع الإقامة دون الأذان وجبت دونه.

   س٢/ هل يجوز للمرأة أن تلبس بعض الملابس التي تظهر مفاتنها أمام أخيها البالغ أو أبيها أو ابنها البالغ مع ستر العورة الواجبة طبعاً كلبس قميص النوم أو "الاتك"، وإذا کان حراماً فما هي حدود المفاتن عند المرأة إذا کان الناظر هو أحد المذکورين، أرجو التفصيل في الإجابة.

   ج/ قال تعالى: (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاء وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) النور:٣١.

   ما يجوز أن تظهره المرأة أمام الأجانب هو الوجه والكفان والقدمان، وما يجوز أن تظهره المرأة أمام المحارم هي القلادة وما فوقها، وما تحتاج لكشفه في الوضوء من اليدين، ومنتصف الساق وما دونه، وللزوج جسدها كله.

   لقد قرأت جوابك سيدي"صلوات ربي عليك" أعلاه فکشفت لنا من الحقائق التي لم نكن نعرفها قبل وبفضلکم أهل البيت "عليکم سلام الله" تنورنا بنورکم واسأل الله أن يزيدني معرفة منکم وان استزيد من معينکم أکثر وأکثر.

   أسألك سيدي ولقد خفيت علي بعض الأمور فأرجو منك تبيانها لنا ولکي تعم الفائدة وهي تفريعات لما سبق من المسألة أعلاه:

   **س١:** ما هو المقصود بـ (الزينة) في الآية الشريفة وماذا تشمل عند المرأة ؟

   وما هو حدود عمر (.. الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ) ؟

   وما هو المقصود من قوله تعالى: (.. وَلا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ) ؟

   ج/ الزينة بالنسبة للمرأة كل ما وجب عليها ستره عن الناظر الأجنبي وتشمل جسدها كله عدا الوجه والكفين والقدمين.

   والطفل الذي تتحفظ منه المرأة هو المميز ويكون بعد إتمام السبع عادة وربما كان في الثامنة أو التاسعة أو العاشرة أو بعدها بحسب حال الصبي وسعة إدراكه.

   والمقصود بقوله تعالى (وَلا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ): هو إصدار صوت من الخلخال.

   **س٢**: قرأت جوابك سيدي الذي قد بينتَ فيه قضية ما يجب ستره علی المرأة ولکن لم اعرف ما هو حدود الواجب ستره من المرأة إذا کان الناظر لها هو الأم والجدة من احد الأبوين وإن علوا أو من المکلفين مثل الأخت من احد الأبوين وبناتها وبنات الأخ والأخت وإن نزلوا أو البنت وبنت الزوج بعد الدخول والعمة أو عمة الأبوين والخالة وخالة الأبوين ؟

   وما حدود الواجب ستره على المرأة أمام الناظر إذا کان طفلاً مميزاً سواء کان الطفل ذکراً أم أنثى من أبنائها وان نزلوا أو أخواتها أو ممن لا انتساب لهم معها من الأطفال المميزين؟

   وما حدود الواجب ستره على المرأة إذا كان الناظر لها أبنائها الذکور أم الإناث أم غيرهم الذين هم فوق سن التمييز ودون سن التكليف؟

   ج/ بالنسبة للواجب ستره من المرأة عن أختها هو في قوله تعالى: (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ) أي عن النظر، فلا يجوز أن تنظر المرأة إلى عورة أختها وكذا تحفظ وتستر عورتها عن أن تنظر إليها امرأة أخرى هذا هو الواجب.

   س٣: في أي عمر يحرم النظر من قبل الأبوين إلى عورت أبنائهم ؟

   ج/ المفروض أن لا ينظر الأبوان إلى عورات أبنائهم - الأطفال - إلا بمقدار الضرورة من التنظيف وما شابه ، فإذا أصبح بإمكان الطفل أن ينظف نفسه من الخبث ويغتسل ويرتدي ثيابه بنفسه دون الحاجة إلى معونة الأبوين عندها يجب أن يتجنب الأبوان النظر إلى عورة الطفل لانتفاء الضرورة. [↑](#footnote-ref-5)
6. - پرسش‌ها و پاسخ‌های زیر مورد نظر ایشان می‌باشد:

   پرسش:

   آیا هنگام کمبود وقت، اذان یا اقامه یا هر دو ساقط می‌شود؟ حکم این دو چیست؟ لطفاً توضیح دهید.

   پاسخ:

   اگر وقت، تنگ و فقط به مقدار خواندن نماز باقی مانده باشد، اذان و اقامه ساقط می‌شود و اگر وقت به اندازۀ اقامه بدون اذان باشد، اقامۀ بدون اذان واجب می‌شود.

   پرسش:

   آیا زن می‌تواند در حضور برادر بالغ یا پدرش یا پسر بالغ خود لباسی بپوشد که قسمتی از زیبایی‌ها و جاذبه‌هایش را نمایان می‌کند مثل پوشیدن لباس خواب یا چیزی شبیه به آن ـ‌البته همراه با پوشانیدن عورت که طبیعتاً واجب است‌ـ ، و اگر حرام است حدود و مقدار زیبایی و جاذبه‌هایی که در حضور اشخاص نام برده شد می‌تواند نمایان باشد چقدر است؟

   پاسخ:

   حق تعالی می‌فرماید: ﴿(و به زنان مؤمن بگو که چشمان خويش را ببندند و شرمگاه خود را نگه دارند و زينت‌های خود را جز آن مقدار که هویدا است آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گريبان فروگذارند و زينت‌های خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهران خود يا پدران خود يا پدر شوهرهای خود يا پسران خود يا پسران شوهر خود يا برادران خود يا پسران برادر خود، يا پسران خواهر خود يا زنان همکيش خود، يا بندگان خود، يا مردان خدمتگزار خود که رغبت به زن ندارند، يا کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند و نيز چنان پای بر زمين نزنند تا آن زينتی که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنيد، باشد که رستگار گرديد)﴾ (نور: 31).

   آنچه زن می‌تواند در برابر نامحرمان آشکار کند عبارت است از صورت، کف دست‌ها و قدم پاها و آنچه زن می‌تواند در برابر محارم آشکار سازد عبارت است از گردن و بالاتر از آن، آن مقدار از دست‌ها که باید برای وضو گرفتن آشکار نماید، و وسط ساق و پایین‌تر از آن، و برای شوهرش تمام بدنش را.

   آقای من، درود خدا بر تو باد! من پاسخ شما را خواندم و حقایقی بر ما آشکار شد که قبلاً آنها را نمی‌دانستیم، و به فضل شما اهل بیت که سلام خداوند بر شما باد، به نور شما منوّر گشتیم. از خداوند درخواست می‌نمایم که به واسطۀ شما بر معرفتم بیافزاید و از همراهی با شما بیشتر و بیشتر بر من افزوده شود...

   مولای من! برخی امور بر من پوشیده مانده است و من از شما سؤال می‌کنم. از شما تقاضامندم آنها را برای ما روشن سازی تا سودمندی کامل‌تر شود. سؤال‌های زیر شاخه‌هایی از مسئلۀ فوق است:

   الف: منظور از ﴿زینت﴾ در آیۀ شریف چیست؟ و چه چیزهایی از زن را شامل می‌شود؟

   ب: حدود عُمْر در ﴿... (کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند)﴾ چقدر است؟

   و منظور از این آیه چیست: ﴿(و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینتی که پنهان کرده‌اند دانسته شود)﴾ ؟

   در مورد زن، زینت به هر چیزی که پوشاندن آن از نگاه نامحرم واجب است اطلاق می‌شود و تمام بدن زن به جز صورت، کف دست‌ها و قدم پاها را شامل می‌شود.

   کودکی که زن باید خود را از او حفظ کند، کودک ممیّز است و معمولاً کودک با تمام شدن هفت سال به سن تمییز می‌رسد و یا چه بسا بر اساس وضعیت کودک و مقدار درک و فهم او در سن هشت، نه یا ده سالگی یا پس از آن به این سن برسد.

   منظور این سخن خدای متعال که فرموده است ﴿(و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود)﴾ بلند کردن صدا از خلخال می‌باشد.

   ب: سرورم! پاسخ شما دربارۀ آنچه زن باید بپوشاند را خواندم ولی نمی‌دانم اگر کسی که به زن نظر می‌افکند مادر و یا مادربزرگش از یکی از والدین و هر چه که بالاتر روند، یا از افراد مکلّف مانند خواهر از یکی از والدین و دختران خواهر و دختران برادر و خواهر و هر چه که پایین‌تر روند، یا دختر و دختر شوهر پس از دخول، و یا عمه یا عمۀ والدین و خاله یا خالۀ والدین باشد، حدودی که پوشیدن آنها بر زن واجب می‌باشد کدام است؟

   و اگر بیننده، طفل ممیّز باشد ـ‌چه این طفل پسر باشد و چه دختر‌ـ از فرزندان زن و هر چه پایین‌تر روند، یا از اطفال ممیّزی که نسبتی با زن ندارند، حدودی که پوشاندن آنها بر زن واجب می‌شود، کدام است؟

   و اگر بیننده، فرزندان مذکر یا مونث زن یا دیگر افرادی که بالاتر از سن تمییز و پایین‌تر از سن تکلیف هستند باشند، حدودی که پوشاندن آنها بر زن واجب می‌گردد، کدام است؟

   در خصوص آن مقداری که پوشاندنش بر زن از خواهرش واجب است، در آیۀ ﴿(و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگه دارند)﴾ منظور نگاه کردن می‌باشد. بنابراین جایز نیست که زن به عورت خواهر خود بنگرد و نیز زن باید عورت خود را از این که زن دیگری به آن نگاه کند، حفظ کند و بپوشاند. این، همان مقدار واجب می‌باشد.

   در چند سالگی نگاه والدین به عورت فرزندانشان حرام می‌شود؟

   والدین نباید به عورت فرزندان (کودکان) خود نگاه کنند مگر به مقدار ضرورت مثل تمیز کردن و مانند آن. اگر کودک می‌تواند خودش را از نجاست تمیز کند و بشوید و خودش بدون نیاز به کمک والدین لباس بپوشد، به دلیل عدم وجود ضرورت، والدین باید از نظر کردن به عورت کودک اجتناب ورزند. [↑](#footnote-ref-6)
7. - یک قطعه برای دور عورت از ناف تا زانو (مترجم) [↑](#footnote-ref-7)
8. - یک قطعه برای پوشاندن تن (مترجم) [↑](#footnote-ref-8)
9. - یک قطعه برای کل بدن (مترجم) [↑](#footnote-ref-9)